



شماره سی و دوم
دی 1387

نشریه دانشجویی بذر

همکاران این شماره: پرستو پوینده، برناک جوان، سایه روان

www.bazr1384.com

www.bazr1384.blogfa.com

Email: bazr1384@gmail.com



■ چاقوکشی علیه جنبش دانشجویی
گزارشی از "دانشگاه سیستان و
بلوچستان" صفحه 10

■ "از شیراز تا آتلانتا"
گزارش ارسالی از آمریکا برای نشریه
دانشجویی بذر صفحه 8

■ "سه منبع و سه جزء جنبش
دانشجویی در ایران" از وحید ولی زاده
صفحه 11

■ سه مصاحبه با فعالین جنبش
دانشجویی صفحه 13

■ پیرامون جمع بندی از دور پیشین
مبارزات جنبش دانشجویی منتشر شده
در نشریه دانشجویی بذر صفحه 20



■ نگاهی به درسهای 16 آذر
صفحه 2

■ برشهایی از مبارزه
دانشجویان دانشگاه شیراز
صفحه 4

■ گزارش ارسالی یکی از
فعالین تجمعات دانشگاه شیراز
صفحه 5

■ فراخوان شرکت در آسیون های
اعتراضی در اروپا در حمایت از
"دانشجویان دانشگاه شیراز"
صفحه 6

■ سه گزارش از برگزاری
آسیون های اعتراضی در
هانوفر، بروکسل و پاریس
صفحه 6



نگاهی به درسهای 16 آذر

برناک جوان - سایه روان

روز دانشجو در دانشگاههای کشور علیرغم جو ارباب و سرکوبی که عوامل حکومتی براه انداخته بودند نسبتاً با استقبال خوبی برگزار شد. کیفیت برگزاری مراسم، شعارها و نیروهای هدایت کننده آنها در شهرهای مختلف متفاوت بود. رژیم تلاش زیادی انجام داد که مانع برگزاری مراسم روز دانشجو در دانشگاه تهران شود. یکی از اهداف اصلی آنها این بود که نیروهای چپ نتوانند مانند سال گذشته برنامه مستقلی را سازمان دهند. آنان در پیشبرد این سیاست از سال گذشته تا کنون از هیچ دناستی فروگذاری نکردند. اما در شهرستانها رژیم نتوانست این سیاست خود را عملی کند. برگزاری روز دانشجو در شهرهایی چون شیراز و تبریز و بابل نشانه امواج ادامه دار جنبش دانشجویی و پویایی بخش چپ آن است. در شیراز مبارزه دانشجویان به یک مبارزه گسترده توده ای بدل شد و از محیط دانشگاه فراتر رفت. در تبریز جو رادیکالی در مراسم سخنرانی 700 نفره این دانشگاه حاکم بود. مراسمی متنسج و پر شعار که عمدتاً مهر چپ را بر خود داشت. فعالین چپ این دانشگاه توانستند نقش فعالی در افشای بسیجی ها و همچنین پان ترکیستها ایفا کنند.



مراسم 16 آذر امسال شاهد سه صف بندی سیاسی مهم بود. صف توده های دانشجو؛ صف مقابل آن یعنی رژیم و عواملش و دیگری صف نیروهای اصلاح طلب که حول و حوش دفتر تحکیم وحدت فعالیتهای خود را جلو بردند. شاخص مشترک دو صف بندی سیاسی آخر چیزی است که می توان بر آن نام "سیاست مصادره" گذاشت.

یک وجه آن مصادره مستقیم روز دانشجو به اسم دار و دسته بسیج و عوامل رسمی رژیم در دانشگاهها بود. که عمدتاً پشتیبانی جریانات موسوم به اصولگرای درون حکومت را با خود داشت. وجه دیگر این سیاست، مصادره شعارهای رادیکال چپ ها توسط دفتر تحکیمی ها و جریانات اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی بود.

نتیجه سیاست اول، یعنی مصادره روز دانشجو به نام سرکوبگران و دشمنان خونین جنبش دانشجویی پیشاپیش معلوم بود. چیزی جز شکست در انتظارشان نبود. رژیم آنقدر در دانشگاهها و جامعه منفرد و بی پایه است که حتی برنامه ریزان این سیاست مصادره مجبور شدند سخنرانی رهبر جمهوری اسلامی را در دانشگاه علم و صنعت لغو کنند. حتی خاتمی نیز مجبور شد برنامه سخنرانی انتخاباتی اش را به تعویق اندازد. گردانندگان جمهوری اسلامی بهتر از هر کسی می دانند که هر حرکت حساب نشده از سوی آنان می تواند به تحریک توده ناراضی دانشجو بیانجامد و همچون جرقه ای انبار باروت خشم مردم را منفجر کند. از این روست که همه جناحهای حکومتی با احتیاط به جنبش دانشجویی برخورد می کنند. البته این را هم باید اضافه کرد که دامنه اختلافات در بین جناحهای مختلف حکومتی منجمله جناح اصول گرا - بویژه در ارتباط با انتخابات پیشاروی - چنان گسترده است که موجب عدم کارایی برخی سیاستهای شان می شود. هر جناحی بدنیاال منفعت خود است و نمی خواهد در شرایط کنونی به دیگری امتیاز دهد.

وجه دوم سیاست مصادره که از وجه اول جدا نیست، در تظاهرات دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه تهران بارز بود.

"ابتکار عمل" آنان این بار مصادره شعارهای بخش چپ جنبش دانشجویی بود. این امر بیش از هر چیز نشان از بی پایگی آنان در میان توده های دانشجو است. آنان مجبورند برای جلب توجه دانشجویان چهره نمایی کنند. چهره نمایی که مهر عوامفریبی را نیز بر خود دارد. این روش بیان مهارت دیرینه اصلاح طلبان در جعل شعارها و تزویر سیاسی است. آنان ید طولایی در ضرب سکه های جعلی و قالب کردن آن به جای سکه های واقعی به مردم دارند.

رژیم با سرکوب و محدود کردن فعالیت نیروهای چپ بطور مستقیم و غیر مستقیم به این سیاست کمک کرده است. این همسویی را نباید به صورت یک توطئه از قبل طراحی شده دید. بلکه تأکید بر موقعیت عینی مشخص و صف بندی های سیاسی است که در دانشگاه و بطور کلی جامعه قابل مشاهده است. پشت هر یک از این سیاستها نیروهای طبقاتی و ائتلافات سیاسی معینی قرار دارند که از پایگاه اجتماعی معینی نیز برخوردارند. به توان اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی در صحنه سیاسی نباید کم اهمیت داد، یا مسئله را ساده گرفت و خوشخیالانه پایان نفوذ لیبرالها را اعلان کرد. تا زمانی که آگاهانه این سیاستها توسط بخش پیشرو جامعه به مصاف طلبیده نشوند و توهمات اصلاح طلبانه در میان مردم جارو نشوند، این قبیل بیراهه ها مدام در جامعه باز تولید می شوند.

نیروهای سیاسی طبقاتی بالنسبه قدرتمندی پشت سیاستهای لیبرالی قرار دارند که از امکانات بسیاری برخوردارند. همانطور که در 16 آذر امسال شاهد بودیم بسیاری از نیروهای ملی مذهبی و جبهه ملی چی ها و پان ایرانیستها و جریانات ناسیونالیست درون ملل تحت ستم هر یک به شکلی به تقویت صف دفتر تحکیم یاری رساندند.

این سیاستها محکوم به شکست هستند: اگر بخش چپ جنبش دانشجویی درست عمل کند! شکستگی این سیاستهای لیبرالی در ماهیت شان نهفته است. این تناقض در رفتار و کردار سیاسی پیروان این سیاست آشکار است. می توان با دروغ عده ای را برای مدتی فریب داد اما نمی توان همه را برای همیشه فریب داد.

مهمترین تناقض پیروان این سیاست آن است که از یک طرف می دانند که با توده ناراضی و رادیکالی روبرو هستند و مجبورند با شعارهای رادیکال چهره نمایی کنند. از سوی دیگر انباشتن تهی است. راه حل شان دخیل بستن به امام زاده های بی معجزه ای چون خاتمی و موسوی و نوری و شرکت در انتخابات است. آنان شعارهای انقلابی چپ را که بیان خواسته های واقعی مردم است مصادره می کنند تا بتوانند مردم را به پای صندوقهای رأی در فریب انتخابات پیشاروی بکشانند. تضاد واقعی اینجاست. آنها از برملا شدن استراتژی شان می ترسند. آنها از این واهمه دارند که بساط کارزار انتخاباتی (که یک وجه مهم در وابسته نگه داشتن مردم به نظام از لحاظ ایدئولوژیک است) به هم بخورد. از این رو است که رهبران دفتر تحکیم وحدت دست پیش را می گیرند که پس نیفتند و از همین حالا مقدمه چینی می کنند که "شرکت یا عدم شرکت فارغ از نظرگاههای ایدئولوژیک است و هرگونه صبغه ایدئولوژیک دادن خطا است". با اینکه خودشان مبلغ سخیف ترین نوع ایدئولوژی اند اما دانشجویان را از برخورد ایدئولوژیک به انتخابات می ترسانند. خود این مسئله نشان می دهد که فعالین چپ دانشجویی در چه زمینه هایی باید وظایف خود را محکمتر در دست بگیرند. بدون تبلیغ و ترویج مداوم علم و ایدئولوژی

در دستور کار خویش قرار دهد و به خواسته های این بخش از جنبش دانشجویی توجه ویژه نماید.



عده ای با محدود نگری عدم حضور مستقل چپ در دانشگاه تهران را نشانه ای از اتمام رسالت چپ در دانشگاهها می دانند. آنان نه تنها قادر نیستند برای شناخت جنبش دانشجویی و روندهای تکاملی آن از سطح به عمق بروند بلکه حتی در سطح نیز قادر نیستند تمامی فاکتورها را مشاهده کنند. اینکه حضور چپ علیرغم سرکوبها در مازندران، شیراز و تبریز برجسته و مؤثر بود. اینکه طی یک سال گذشته جنبش دانشجویی در سطح کل کشور رادیکالیزه تر و گسترده تر شده است. اینکه با وقایعی مانند دانشگاه زنجان، مسئله زنان به یکی از محورهای مهم جنبش دانشجویی بدل شده است. اینکه دانشجویان شیراز پیشیزی ارزش برای کربوبی و رئیس قوه مقننه قائل نشدند، اینکه دانشجویان تربیت معلم و سهند تبریز نمونه ای بالا از همبستگی و مبارزه مستمر و متشکل را به پیش بردند، اینکه دانشجویان زاهدانی در مقابل چاقوگشی ها عوامل حکومت مرعوب نشدند. همه



این ظرفیتها بیان پایه عینی مساعد برای رشد چپ است. همینکه - دفتر تحکیمی ها - شعارها، تظاهراتها و... بخش چپ را مصادره می کنند، خود نشانگر این مسئله است که آنها خطر چپ را دریافته اند. آنها می دانند که سطح جنبش و مطالباتش بالا رفته و خطر پایه گیری چپ زیاد است. بنابراین هر کاری لازم باشد انجام می دهند تا مانع رشد چپ شوند.

اما ما با واقعیت دیگری نیز روبرو هستیم. بخش چپ جنبش دانشجویی - به عنوان فاکتور ذهنی - با مشکلاتی روبرو شده و به دلیل ضربه سال گذشته مجبور به عقب نشینی شد. اما با برخورد درست به این مسئله می توان گامی جهش وار برداشت و پیشرویهای بزرگی سازمان داد. فعالین چپ دانشجویی طی چند سال گذشته پروسه های مختلفی از آزمون و خطا را از سر گذرانده اند. ما نیازمند جمع بندی علمی از این تجاربیم. باید از ضعفها و نقاط قوت ایدئولوژیک و سیاسی روشها و فرمهای مبارزاتی مان جمع بندی کنیم. تا مانع از تکرار اشتباهات شویم. پایه عینی برای عروج چپ موجود است و گسترده هم هست اگر به شرطی که ما به عنوان فعالین چپ جنبش دانشجویی با تکیه به تجارب غنی و تاریخی مان خط مشی درستی اتخاذ کنیم و درست عمل کنیم. تنها در این صورت است که می توانیم آینده را از آن خود سازیم.

در شرایط کنونی فعالین چپ دانشجویی باید نسبت به مبارزات دانشجویان در شهرستانها حساسیت زیادی از خود نشان دهند. اگر فعالین چپ توجه جدی به این مبارزات جاری نداشته باشند و پایه عینی خود را در این مناطق گرد نیآورند و فقط توجهشان به دانشگاههای تهران جلب باشد، قادر نخواهند بود تأثیر تعیین کننده ای بر جنبش دانشجویی داشته باشند. ■

1- گسست از فرهنگ و سنتهای اسلامی در همه زمینه ها ضروری است. بدون اینکه نمی توان معیارهای جنبش دانشجویی را ارتقا داد. یک نمونه منفی از این عدم گسست شعرخوانی یکی از دانشجویان در مراسم روز دانشجو در دانشگاه شیراز بود. فیلم این شعرخوانی به عنوان مراسم ...

ادامه پانویس در صفحه 9

کمونیستی نمی توان به راه حلی واقعی برای دردهای جامعه دست یافت.



تلاش دفتر تحکیم وحدت برای مصادره شعارهای چپ در مورد رهایی زنان نیز قابل توجه است. برافراشتن شعارهایی چون "رهایی زن، رهایی جامعه است"؛ "نه به اعدام، نه به سنگسار، نه به تفکیک جنسیتی" یکی از بی تناسبتترین، متناقضترین و همچنین هدمندترین شعارهای این مردسالاران اسلامی است. کسانی که مدتها مبلغ تبلیغ شعار "حقوق زن مشابه با مرد است نه برابر" بودند، کسانی که سالها بر سنگسار زنان چشم فروبستند؛ رهبران سیاسی شان در دوره دوم خرداد - مانند عطاالله مهاجرانی وزیر ارشاد خواهان سنگسار پنهانی زنان بودند و رهبران فکری شان مانند عبدالکریم سروش، زنان را شایسته دانستن فلسفه نمی دانستند؛ بازجویان دوم خردادی شده شان از هیچ اهانتی به دختران فعال دانشجو فروگذاری نکردند و نمی کنند - یک شبه مدافع رهایی زنان شدند؟!

دفتر تحکیم وحدتی ها دریافتند که دختران دانشجو با خواستههای ضد تبعیض جنسیتی به عنوان یک نیروی رادیکال در جنبش دانشجویی ظهور یافتند. آنان به همین دلیل تلاش می کنند به اشکال مختلف مهار و کنترل این بخش از جنبش را در اختیار خود گیرند و از آن استفاده ایزاری کنند. در شرایط سیاسی امروزی طرح شعارهایی در دفاع از حقوق زنان از جانب آنان یک ظاهر سازی برای استفاده از نیروی زنان در رقابتهای انتخاباتی آتی است.



همانطور که زن سئیزی جمهوری اسلامی را باید افشا کرد، افشای چنین عوامفریبی ها نیز جزیی جدایی ناپذیر از وظایف فعالین چپ در دانشگاه است. اما چپ به وظایف خود در قبال مسئله زنان نیز باید آگاهانه عمل کند. نیروهای چپ با وجود اینکه در برآمد دوباره خود در دانشگاهها پرچمدار شعارهای رادیکال درمورد زنان بودند ولی هنوز نمی توانند به بسیاری از نیازها و سئوالات تکامل یابنده این بخش پاسخ گویند؛ تئوری، پراتیک و رفتاری در پیش گیرند که دختران دانشجو افق رهایی خود و تحقق آمال و آرزوهای خود را در بخش چپ دانشجویی بروشنی ببیند و به لحاظ کمی و کیفی نقش مهم، برجسته و مستقلی در رهبری مبارزات جنبش دانشجویی در کلیه عرصه ها ایفا کنند. از این رو چپ باید ایده ها و بینش خود را درارتباط با مسئله زنان تصحیح کند. دراین راستا از افکار و عقاید و ایده های سنتی در این زمینه گسست کند.

مسئله فقط برافراشتن شعار برابری زن و مرد نیست بلکه گسست از جهان بینی ای است که زن را فردودست مرد می داند. گسست همه جانبه از فرهنگ سنتی و اسلامی است که در جامعه ما همه را تحت تأثیر قرار داده است. فرهنگ و سنتی که ماهیت ارتجاعی و عقب مانده اش را در ارتباط با مسئله زنان به شکل فشرده ای می بینیم. هیچ پیوند یا نقطه تماسی میان بخش پیشرو و چپ دانشگاه و جامعه با این فرهنگ جایز نیست. (1)

چپ برای اینکه بتواند خود را به نیروی پیشرو، رادیکال و تازه نفس دختران دانشجو متکی کند باید در جمع بندی از تجربه چند ساله گذشته گسست آگاهانه از دیدگاههای مردسالارانه را



را که در حال حرکت به قصد تصرف نهادهای حیاتی حکومتی بودند مهار و با هنرمندی فریبکارانه‌ای آنها را منصرف ساخت، بلکه امروز نیز می‌بینیم که چگونه تیغ سانسور اساساً حکومتی خود را در تریبون 16 آذر به روی سخنرانی کسانی که حتی اجازه سخنرانی به آنها داده می‌شد، می‌گشاید و انعکاس اخبار اعتراضات دانشگاه شیراز را تا آنجا که به رهبری و کلیت نظام مربوط می‌شود سانسور می‌کند. اگر امروز مبارزات در دانشگاه شیراز موفق می‌شود، مرزها و محدودیت‌های اعتراضات تحکیمی در دانشگاه را پشت سر می‌گذارد و ما می‌توانیم در آنجا شاهد فریادهایی باشیم رهایی یافته از تیغ سانسور محافظه‌کارانه، همه را مرهون عدم مداخله و حضور تشکیلاتی تحکیم و انجمن‌های اسلامی هستیم.

فعالیت سیاسی از بدنه دانشجویی واقعی برمی‌خیزد و اعتراض ماهیتاً موفق شده است مرزهای نمایشی متعارف خود را زیر پا گذارد و تا تحقق اهداف واقعی یک مبارزه واقعی، قاطعانه و پیگی، تداوم یابد. از این حیث است که مبارزات در دانشگاه شیراز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و سرکوب این جریان را برای جمهوری اسلامی دشوار و در عین حال حیاتی می‌سازد. امروز فعالیت سیاسی در دانشگاه شیراز به ما می‌گوید که همه تا نفر آخر در گرداب حقایق واقع کشیده شده‌ایم؛ که مردمی که از جریان تاریخ برکنار باشند و بخواهند مستقلاً زندگی کنند وجود ندارند و مخلوق تصورات هوسبازان اند. بدین خاطر است که کروی باز به دانشگاه شیراز آمد و با ابراز تأسف از برخوردهای حذفی و تحقیرآمیز با دانشجویان این حرکت جدید را ناشی از سیاست‌های غلطی دانست که در نزدیکی انتخابات اعمال می‌شود.

رییس دانشگاه شیراز هم به تازگی در گفت‌وگو با یکی از روزنامه‌های چاپ تهران «فرهنگ آنتی» اتهاماتی را به دانشجویان منتسب کرده، که هیچیک از سوی دادستان شیراز عنوان نشده است.

محمد هادی صادقی در گفت‌وگو با این روزنامه، جرم این دانشجویان را ارتباط با بیگانگان، دریافت حقوق، اطلاع‌رسانی و همکاری با گروه منافقین دانسته که گویا اشاره به سازمان مجاهدین خلق ایران است که در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی از آنها به این نام یاد می‌شود.

این در حالی است که هیچ کدام از این اتهام‌ها در گفت‌وگوی این روزنامه با دادستان عمومی و انقلاب شیراز مطرح نشده است و قبل از اینکه در مراجع قضایی حکم قطعی برای کسی صادر شود بکار بردن واژه جرم بجای اتهام نیز خودش سر دراز این داستان را بهم می‌آورد.

در کنار این رویدادها، جابر بان‌نشی دادستان عمومی و انقلاب شیراز هم که اتهام اصلی این دانشجویان را توهین به آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران و تبلیغ

"فریاد آزادی"

برشهایی از مبارزه دانشجویان دانشگاه شیراز
برگرفته از گزارشات درج شده در وبلاگها و سایتهای اینترنتی

گردآوری: برناک جوان

یکی از موارد اتهام دوستان و رفقای ما توهین به مسئولان نظام است. من می‌خواهم بپرسم آیا دانشجویی که از فقر موجود در جامعه فریاد می‌زند، آیا دانشجویی که از سلب آزادی در جامعه فریاد می‌زند، آیا دانشجویی که از سرکوب از فقر از نابرابری فریاد می‌زند توهین می‌کند؟ یا شمایی که با سلب آزادی‌های موجود در جامعه، یا شمایی که با سلب تمام آزادی‌های موجود در جامعه با سرکوب هر صدای معترض تمام خواسته‌های دیکته شده خود را پیش می‌بری، به انسانیت توهین می‌کنید؟

ما امروز فریاد می‌زنیم. ما امروز برای نیازهای انسانی ابتدایی خود، برای نیاز به نان و آزادی برای دستیابی به آزادی و نیازهای اولیه فریاد می‌زنیم. ما امروز برای دستیابی به آزادی فریاد می‌زنیم. اگر نیاز ما به نان و آزادی توهین به شماست، توهین می‌کنیم!

بخشی از سخنرانی یک دانشجو در دانشگاه شیراز - 20 دیماه 1387

بباید ببینیم چرا در دانشگاه شیراز دستگاه سرکوب دولت با این وسعت و شدت به کار افتاده است؟ دولت در دانشگاه شیراز از چه هراسیده است که این دانشجویان را اینگونه هدف هجوم مأموران اطلاعاتی- امنیتی خود و کمیته سرکوب مستقر در دانشگاه قرار داده است؟ آیا جز این است که صرف برگزاری مراسم 16 آذر نمی‌توانسته دلیل قاطعی برای سرکوب آنها باشد؟ مراسمی که همزمان در دانشگاه تهران و چند دانشگاه دیگر در سراسر کشور نیز برگزار شد.

دانشجویان دانشگاه شیراز بیش از یک سال است که مصرانه مسایل صنفی خود را پیگیری می‌کنند و متعاقباً و به سرعت به گذار سیاسی ضروری و منطقی روی آورده اند. آنها به درستی جلسه دیدار نمایشی و تبلیغاتی شیخ مهدی کروی را به تجمعی اعتراض آمیز تبدیل کردند. سپس در جلسه سخنرانی علی لاریجانی - رئیس فرمایشی مجلس فرمایشی شورای اسلامی- در مهرماه سال جاری، حیاتی و ملموس‌ترین و در نتیجه، رادیکال‌ترین اعتراضات را متوجه آن عروسک خیمه شب بازی تکیه زده بر صندلی ریاست ساختند؛ و بعد اینکه

مراسم 16 آذر سال جاری در دانشگاه شیراز با فرم و محتوایی به کلی متفاوت با مراسم آیینی 16 آذر در دانشگاه تهران که از سوی دفتر تحکیم وحدت سازماندهی شده بود، برگزار گردید. در حالی که دانشجویان شیراز اعتراضات مشخص، عینی و ضروری خود را تا سطح رهبری و کلیت نظام بسط و گسترش دادند، دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه که در جایگاه ابزاری کنترلی در دست دولت، همواره و به ویژه در دوران دولت خاتمی مأموریت مهار اعتراضات رادیکال و ریشه‌ای دانشجویان را با موفقیت به انجام می‌رسانده است، تمام تلاش خود را در دانشگاه تهران به کار بست تا مانع از فراتر رفتن اعتراضات از سطح شخص احمدی نژاد و دولت وی شود؛ این فقط در شورش‌های تیر 1378 نبود که دفتر تحکیم با ریاکاری تمام، اعتراضات ریشه ای و انقلابی توده دانشجویان خشمگین

گزارش ارسالی یکی از فعالین تجمعات دانشگاه شیراز "گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد"



در حال حاضر روزهای زیادی از اعتراضات اصلی در دانشگاه شیراز می گذرد و احکام خیلی از دانشجویان فعال بازداشت شده هم صادر شده است. جو به کلی با روزهای اعتراضات تفاوت دارد. مسئولان دانشگاه و بیرون دانشگاه هم برخوردشان تغییر محسوس یافته است. اما ببینیم که چه گذشت در این دوره اخیر در دانشگاه شیراز:

بعد از تریبون آزاد 18 آذر بود که پرونده سازی ها با اتهام توهین به مقدسات رو شد و اعتکاف سیاسی بسیج و جامعه اسلامی دانشگاه اعلام کرد که باید با فعالین اعتراضات اخیر و همچنین بدنه دانشجویی آن برخورد شدید صورت گیرد. بهانه اصلی آنها هم "توهین به مقدسات و مسئولان نظام" بود.

این رویه همچنان ادامه دارد و اطلاعاتی از دانشجویانی که بازداشت می شوند نیست. با این تعلیق ها و محرومیت ها و... جنبش دانشجویی در شیراز هم به سمت سرکوب پیش می رود و البته دقیقاً با سناریوسازی!

با این احکامی که هرروزه اعلام می شود و عده ای از تحصیل محروم می شوند، ما همه نگران هستیم و می خواهیم صدای ما را به هر نحوی که ممکن است بلند کنید و انعکاس دهید. این اخبار را پخش کنید. جنبش دانشجویی را سرکوب می کنند ولی این موقتی است و کل جنبش را که نمی توانند و ما همچنان روی مواضع خودمان هستیم و این راه را ادامه می دهیم و اسیر سرکوب و فریب اینها هم نخواهیم شد.

در حال حاضر ما بدلیل تجمعات ادامه دار خود منتظر احکام جدیدی از طرف کمیته انضباطی و سایر نهادهای سرکوبگر درون و بیرون دانشگاه هستیم. هر روز عده بیشتری را محروم و از تحصیل معلق می کنند که بنظر ما این دور تازه ای از سرکوبهاست.

در مورد اعتصاب غذا باید بگویم که ما اولتیماتوم دادیم و کاملاً هم آماده بودیم و حتی کمیته های خود را هم تشکیل داده بودیم ولی با حکم قاضی که قرار کفالت و وثیقه برای دستگیر شده ها صادر کرده بود، آنرا موقتاً لغو کردیم. البته این پروسه سرکوب ادامه دار است و تازه واکنش کمیته انضباطی درون دانشگاه هنوز معلوم نیست. اگر سرکوبها ادامه پیدا کنند ما حتماً برنامه اعتصاب غذا را پیش خواهیم برد.

در حال حاضر ما در ادامه کار کمی مشکل داریم. ما برنامه لغو امتحانات را داشتیم، ولی حالا با اربابی که از طرف بسیج و... شده کمی جو را از دست داده ایم. بیانیه هایی با امضا بسیج و جامعه اسلامی دانشگاه و انجمن اسلامی مستقل (تقلبی) در دانشگاه پخش می شود که خواهان برخورد شدید با فعالین اعتراضات و بدنه دانشجویی هستند و آنرا محکوم کرده اند و تهدید به اقداماتی از سوی خود می کنند. ما هم انتظار برخوردهای شدیدتری را داریم. بدنبال این جو سرکوب و خفقانی که حاکم شده، عده ای از دانشجویان حتی مخالف اقدامات ما شده اند و عده بیشتری نیز عملاً کنار کشیده و جرأت نمی کنند حمایت خود را از ما نشان

علیه نظام، اعلام کرده است، بر دامنه نگرانی های دانشجویان در این باره افزوده است.

پرونده این دانشجویان اتهام های گوناگونی را در بر می گیرد، اما به تمام آنها یک اتهام مشترک نیز زده شده است: «توهین به مقام های جمهوری اسلامی ایران»؛ اتهامی که این روزها پس از اقدام علیه امنیت ملی در بسیاری از پرونده های مربوط به فعالیت های سیاسی، صنفی یا مدنی و مسائل امنیتی دیده می شود.

در حال حاضر فشارهای رژیم در دانشگاه شیراز آنقدر زیاد شده و فضا آنچنان امنیتی شده که بسیاری از دانشجویان فعال در اعتراضات، دچار افت روحیه شده اند، بسیاری از رفقای که احضار و بازداشت و زندانی شده بودند هم درگیر کارهای قضایی هستند و در کنار این موارد دانشجویان عادی هم در هول و اضطراب شدیدی بسر می برند. بسیاری از آنهایی که در اعتراضات حضور داشتند، در حال حاضر فشار زیادی بر خود حس می کنند.

لازم به ذکر است که در هر مبارزه ای ما با افت و خیز روبرو می شویم. بدون این افت و خیزها، شاهد پیشروی موج وار نیز نخواهیم بود. همان اندازه که مهم است که مبارزه در دوران اوج را درست پیش ببریم در دورانهای افت نیز باید سیاست و روش صحیح داشته باشیم. کارهایی زیادی است که می توان در دوره های افت انجام داد. می توان دستاوردهای حاصله را تحکیم کرد؛ به جمع بندی از فعالیت های گذشته پرداخت؛ روشهای صحیح و نا صحیح برخورد با مشکلات، رو در رو شدن با نیروهای سرکوبگر را مورد بررسی قرار داد. انجام این جمع بندی ها می تواند به رشد جهش وار جنبش ما در آینده و در دور بعدی اعتراضات بیانجامد و رفقای فعال و درگیر در این پروسه را آبدیده تر کند. بر افت روحیه ها زمانی می توان غلبه کرد که همگان را به یک جمع بندی علمی و ماتریالیستی از اوضاع مسلح کنیم و افق و چشم اندازهای روشن مبارزاتی مان را عمیقتر درک کنیم و در پرتو آن به ارزیابی درستی از اهداف درازمدت و کوتاه مدت مبارزه دست یابیم. هر مبارزه ای فراز و نشیب دارد و نباید توقع پیروزی فوری در هر عرصه ای را داشت. دور تازه مبارزات این حقیقت را اثبات خواهد کرد و تا کنون نیز کرده است. فقط می ماند دخالتگری نقش ذهنی فعال ما و تدارک دور بعدی مبارزه. دور بعدی مبارزات بدون تحلیل و جمع بندی از پیروزی ها و شکست ها، موفقیتها و نا کامی های دور قبل امکان ندارد.

امروزه در حالی که جمهوری اسلامی فرایند تبدیل همه جانبه به یک نظام سراپا پاسدار سرمایه را پشت سر می گذارد و در جایگاه ابزار سرکوب تمام عیار در خدمت سرمایه، از هیچ اقدامی برای سرکوب، فریب و خفه کردن صدای اعتراض کارگران، زنان، کشاورزان، معلمان و دانشجویان رویگردان نیست؛ جنبش دانشجویی و دانشجویان پیشرو شیراز با مبارزات راستین، واقعی و ضد نمایشی، در راه تحقق آرمانها و اساسی-ترین نیازهای انسانی اراده هایی را از خود بروز می دهند که نوید بخش مبارزات راستین برای محو هرگونه ستم طبقاتی در ایران است. بقول لنین در **"جنبش دانشجویی و شرایط سیاسی کنونی؛ 1908"** آغاز کوچک یک مبارزه دانشجویی کوچک می تواند مقدمه بزرگی بر آنچه باشد که پس از آن فرا خواهد رسید و نتایج عظیمی به دنبال خواهد آورد. اگر امروز نه، شاید فردا. اگر فردا نه، شاید روزی پس از آن! ■

سه گزارش از برگزاری آکسیون های اعتراضی در اروپا، در حمایت از جنبش دانشجویی ایران و دانشجویان دانشگاه شیراز

"باید خود به راهی خویش برخیزیم" - هانوفر



بر اساس اعلام قبلی، مراسم همبستگی با جنبش دانشجویی در ایران بویژه دانشجویان دانشگاه شیراز در سلف سرویس اصلی دانشگاه هانوفر از ساعت 17-6 آغاز شد. این مراسم در هماهنگی با

"کمیته جوانان ایرانی در اروپا" و با حمایت جمهوری خواهان دمکرات لائیک ایران - هانوفر برگزار شد.

در ابتدای مراسم پلاکاردهایی به زبان آلمانی، در محل تجمع و اطراف آن نصب شد که بر آنها نوشته شده بود: همبستگی بین المللی، هیچ قهرمانی و هیچ خدایی و هیچ قیصری نمی تواند ما را یاری دهد، باید خود به راهی برخیزیم، در آخرین نبرد ما پیروز می شویم، هر شکستی برای ما آغاز پیروزی دوباره ایست، در ایران دانشجویان در زنداند و جلادان در دانشگاه، آلمان به ایران ابزار شکنجه صادر می کند.

در طول مراسم بارها سرود انترناسیونال، ترانه های "ویکتور خارا" و ترانه های اعتراضی به زبان فارسی پخش شد. بیانیه سخنی با دانشجویان دانشگاه شیراز و قطعنامه مشترک "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" به دو زبان فارسی و آلمانی پخش شد. اعضای "کانون 67" با دانشجویان و استادان آلمانی به بحث و گفتگو در مورد مسائل ایران و سرکوب جنبش های اجتماعی در ایران پرداختند و از آن ها خواستند برای همبستگی با جنبش دانشجویی در ایران و دانشجویان دانشگاه شیراز قطعنامه کمیته جوانان ایرانی در اروپا را امضا کنند که با استقبال آنها مواجه شد.

همچنین در محل تجمع ماکتی به نمایش گذاشته شد که بصورت سمبلیک دانشگاه در ایران را در چنبره سیم خاردار نشان می داد که البته جوانه های رویش از درزهای آن بیرون زده بود. اعضای کانون در طول برگزاری مراسم در مصاحبه با رسانه های فارسی زبان آلمان به معرفی "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" پرداختند و ضمن تاکید بر برگزاری همزمان چنین آکسیونی در پاریس و بروکسل به هویت جوان کمیته و ادبیات نوین اعتراضی قطع نامه اشاره کردند. نکته قابل توجه در حاشیه این تجمع تماس برخی دانشجویان ایرانی هانوفر و اعلام آمادگی آنها برای همکاری با کمیته بود و نیز حمایت دانشجویان چپ آلمانی از مبارزات مردم ایران. برخی استادان دانشگاه که در جنبش دانشجویی دهه شصت آلمان فعال بودند اعضای کانون را به ادامه فعالیت هایشان تشویق کردند و یکی از آنها با اهدای دسته ای گل برای اعضای "کمیته جوانان ایرانی اروپا" آرزوی موفقیت کرد.

این مراسم در ساعت چهارده و سی دقیقه به وقت آلمان در شرایطی پایان یافت که تجمع "جوانان ایرانی آزاد - پاریس" و "کمیته دانشجویی - بلژیک" آغاز شده بود. ■

کانون 67 - آلمان

دهند! تعداد دانشجویانی که در تجمعات اخیر حاضر بودند، این موضوع را اثبات می کند. در کل ما در شرایط فعلی با جو مناسبی روبرو نیستیم.

در حال حاضر حس خستگی و ناامیدی دانشجویان دانشگاه شیراز را فرا گرفته است. جو دانشگاه بشدت امنیتی است تا آنجا که برای برخورد با دانشجویان پلیس 110 وارد کار شده! تعدادی که اخیراً از طرف ریاست دانشگاه، کمیته انضباطی و حراست دانشگاه احضار شده اند، تهدید به برخوردهای بمراتب شدیدتری شده اند یا بطور کامل از همه امکانات رفاهی مثل خوابگاه محروم شده اند.

دانشجوی دختری بدلیل فعالیت در حوزه زنان به شدت زیر فشار قرار دارد و دانشجوی پسر دیگری بدلیل مقاومت در بازداشتگاه و بیرون بشدت مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته است و خانواده وی نیز فشار سختی را تحمل می کنند. جالب اینجاست که او برادر شهید است!

نکته مهمی که باید اضافه کنم اینست که به جرأت می توان گت اعتراضات دانشگاه شیراز با حضور 70% دختران همراه بود و آنها به شدت در اعتراضات فعال بودند.

در کل دستاوردهای جنبش دانشجویی در شیراز بسیار ارزنده بوده و این هراس را در مسئولان نظام ایجاد کرد که آنها را با سناریوی مشابهی مثل دانشگاه امیرکبیر وارد پروسه سرکوب کنند. اوضاع به ناگهان چنان شد که تمام نهادهای سرکوبگر بیرون دانشگاه با ارگانهای موازی درون دانشگاه دست بدست هم دادند تا با سناریوسازی آنرا نابود کنند.

اما به جرأت می توان گفت که جنبش دانشجویی بدلیل ماهیت سیال بودنش، نابود نشدنی است. این همان چیزی است که در دانشگاه شیراز می توان دید. جنبش در دانشگاه شیراز سرکوب نشده و نخواهد شد. شعار معروف ما اینست: "گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد".



فراخوان شرکت در آکسیون های اعتراضی در حمایت از جنبش دانشجویی ایران و دانشجویان دانشگاه شیراز

در روز های شانزدهم و هیجدهم آذر ماه و در نشست رئیس مجلس و دانشجویان دانشگاه شیراز، دانشجویان غیروابسته با مرزبندی مشخص با رژیم، در یک گردهمایی گسترده فریاد سر دادند، آزادی دانشگاه، آزادی جامعه!

آری در مقابل رادیکالیسم دوستانمان، اینبار نیز دستگاه سرکوب رژیم کلیه نیروها و امکاناتش را بکار گرفت. از احضار و بازداشت 35 تن از فعالین دانشجویی تا جو سازی در مساجد و اعتکاف فرمایشی بسیج دانشجویی تا بیان اتهامات سنگین قضایی و تحریم و تهدید علیه دانشجویان و انتشار بیانیه های جعلی.

ما جمعی از دانشجویان، فعالین سیاسی و مدنی، مبارزین چپ و پناهندگان جوان مقیم اروپا در همبستگی با جنبش دانشجویی ایران و در حمایت از دانشجویان شیراز در روز چهارشنبه، چهاردهم ژانویه در شهرهای بروکسل، پاریس، کلن و هانوفر به مقابل دانشگاهها و نمایندگیهای رژیم جمهوری اسلامی می رویم؛ تا با فریاد مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی اعلام کنیم ما نیز تا آخرین نفس در مقابل سلطه و استبداد لخت و عریان قد علم کرده در کنار دانشجویان ایران ایستاده ایم.

آزادخواهان جهان؛ با برگزاری همزمان، اعلام حمایت و حضورتان در این آکسیون ها در جهت کمک به ادامه مبارزات جنبش دانشجویی با ما همراه شوید.

کمیته جوانان ایرانی در اروپا - متشکل از:

جوانان ایرانی آزاد - پاریس

کانون 67 - آلمان

کمیته دانشجویی - بلژیک

www.commitee.blogfa.com

commitee.iran@gmail.com

"ما را بگیرید،**ما را بگیرید،****زندان شما دانشگاه ماست" - بروکسل**

امروز 14 ژانویه (25 دیماه) آکسیونی اعتراضی در برابر سفارت جمهوری اسلامی و دانشگاه آزاد بروکسل توسط کمیته دانشجویی - بلژیک برگزار شد. این برنامه همزمان و در هماهنگی کامل با آکسیونهای برگزار شده در پاریس و هانوفر آلمان بود که به ترتیب توسط جوانان آزاد ایرانی- پاریس و کانون 67 در آلمان برگزار می شد. برنامه مشترکی که تحت نام "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" جهت حمایت از جنبش دانشجویی و بویژه دانشجویان دانشگاه شیراز با فراخوان و قطعنامه ها و شعارهای مشترک سازماندهی شد.

با حضور زود هنگام پلیس ویژه، رفقای جوان کمیته دانشجویی با نصب نمایشگاه عکسی از دانشجویان دربند شیراز و طرح هایی از "کمیته جوانان ایرانی در اروپا"، بنر روز دانشجو ... پلاکاردهایی حاوی شعار به زبان های فارسی و فرانسه در بین جمعیت توزیع کردند. شعارهایی از قبیل:

زنده باد همبستگی بین المللی

ما رفقایمان را آزاد می کنیم.

من از سه چیز متنفرم: سرمایه، بنیادگرایی

مذهبی، جمهوری اسلامی

دانشگاه سنگر آزادی است، صدایتان را فریاد

می کنیم.

نبرد آخرین را ما می بریم، هر نبردی که ما در

آن شکست بخوریم بمعنی پیروزی بعدی ماست

در ایران دانشجو در زندان است و جلادان در دانشگاه

ما را بگیرید، ما را بگیرید، زندان شما دانشگاه ماست

مبارزه شما، مبارزه ماست، از ایران تا یونان

دانشجویان بلژیکی حاضر در محل بعثت تداخل برنامه امتحاناتشان ننواستند نقشی ویژه در آکسیون بگیرند و فقط ایجاد ارتباط سیاسی با آنها، ثمره کار ما بود.

برنامه در ساعت 14 با خواندن فراخوان آکسیون و معرفی کمیته جوانان و دانشجویان فعال اروپا و حرکت مشترک ما شروع شد. ماهیت سیاسی سرکوب دانشجویان شیراز در سخنرانی کوتاه و بسیار محکمی تشریح شد. بعد از آن یکی از رهبران حزب سوسیالیست چپ بلژیک ضمن اعلام پیام حمایت کوتاهی به رفقای شیراز، تنها چاره بقای رژیم تئوکراتیک جمهوری اسلامی را سرکوب مقاومت برحق مردم در هر صحنه ای دانست. در اینجا شعارهای آهنگین ما در حمایت از جنبش دانشجویی، رفقای شیراز و تمام مبارزات بر حق مردم ایران طنین انداز شد که انعکاس خوبی داشت. خشم فعالین ایرانی حاضر در آکسیون با خشم رفقایمان در ایران گره می خورد.

در ادامه برنامه پیام نیروهای حمایت کننده از جمله پیام نشریه دانشجویی بذر از داخل، کانون دفاع از حقوق بشر در ایران- بلژیک داده شد و از نیروهای حامی تظاهرات از جمله رادیو کمپوس- بروکسل، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران- پاریس، جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران- هانوفر، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، کانون دفاع از زندانیان سیاسی - آلمان، کمیته جوانان هانوفر، حزب چپ سوسیالیست- بلژیک، کمیته برگزار کننده تظاهرات-آتلانتا، سازمان عفو بین الملل و ... قدردانی شد.

سپس پیام کمیته دانشجویی بلژیک به مردم غزه و افزایش تجاوز امپریالیستی و حاکمیت ارتجاع اسلامی و ضرورت گسست مردم غزه از انتخاب بین این دو خواننده شد.

رفیقی به دو زبان فرانسه و فارسی تأیید مجدد حکم اعدام فرزاد کمانگر را اعلام و محکوم کرد و از ستم مضاعفی که به اقلیتهای قومی و ... می شود نام برد و یادی از رفیق مبارز در بندمان عابد تونچه بعمل آمد.

در میانه شعارهایمان، پیام کوتاه رفقای پاریس از محل برگزاری آکسیون آنها، توسط موبایل و بلندگو پخش شد.

جمعیت حاضر تا آخرین لحظه تظاهرات را همراهی کردند و با شنیدن قطعنامه سیاسی انتهای برنامه به دو زبان فارسی و فرانسه، اعتراض خود را به سرکوب دانشجویان و فعالان سیاسی، مدنی و چپ در ایران ابراز کردند. در انتها با قطعه ای از سرود انترناسیونال برنامه پایان یافت.

نکته جالب برنامه این بود که جوانان کمیته دانشجویی بعد از اختتام آکسیون و در حین جمع آوری وسایل، با دیدن کوچکترین تحرکی در اطراف سفارت، آنها را به باد شعارهای رادیکال خود می گرفتند، که این آنها را وادار به بازگشت به داخل

سفارت می کرد. ■

کمیته دانشجویی - بلژیک

«چه کسی می خواهد،**من و تو ما نشویم****خانه اش ویران باد!»**

- پاریس

چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۸۷ برابر با ۱۴ ژانویه ۲۰۰۹ از ساعت

۱۴ به وقت پاریس، جمعی از ایرانیان مقیم پاریس در کنار فرانسویان به دعوت "جوانان ایرانی آزاد - پاریس" و "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" در مقابل دانشگاه سرین و مدرسه سن لویی در کادر آکسیون های مشترک "کمیته جوانان ایرانی در اروپا"، که به صورت همزمان در بروکسل و هانوفر نیز برگزار می شد، دست به تظاهرات ایستاده زدند. این آکسیون که در روزهای آتی در لندن نیز برگزار خواهد شد، در حمایت از جنبش دانشجویی و بویژه دانشجویان دانشگاه شیراز صورت پذیرفت.

جوانان با تصاویر سمبلیکی در حمایت از آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی دانشگاه و دانشجو و همچنین اسامی دانشجویان در بند و احضار شده به کمیته های انضباطی و وزارت اطلاعات، کف پوش سنگی میدان سرین را فرش کرده بودند.

آکسیون با خواندن فراخوان دعوت به گردهم آبی و "پیام کمیته جوانان ایرانی در اروپا" به دو زبان فرانسه و فارسی شروع به کار کرد. همچنین متن بیاتیه های سازمان ها و انجمن های حمایت کننده از بلنگوها بخش شد.

جوانان با پخش اعلامیه هایشان عابرین را در جریان جنبش دانشجویی امروز ایران قرار دادند. ده ها تن از رهگزاران با امضای متن پیام "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" به دانشجویان دانشگاه شیراز، حمایت خود از آنان را ابراز کردند.

در میانه گردهم آبی "کمیته دانشجویی - بلژیک" پیام خود را با تلفن از مقابل سفارت جمهوری اسلامی در بروکسل به شرکت کنندگان در پاریس رساندند، که از بلندگو ها پخش و مورد توجه خاص حاضرین قرار گرفت.

در انتها جوانان با خواندن قطعنامه به زبان های فارسی و فرانسوی به گردهم آبی خود پایان دادند. ■

جوانان ایرانی آزاد - پاریس



از شیراز تا آتلانتا

گزارش ارسالی از آمریکا برای نشریه دانشجویی بذر

به پیروی از فرخوان "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" در برپایی آکسیونهای اعتراضی در حمایت از جنبش دانشجویی ایران و دانشجویان دانشگاه شیراز، در جلسه محلی "حزب کمونیست انقلابی آمریکا" در شهر آتلانتا ایالت جورجیا که در تاریخ یکشنبه 18 ژانویه برگزار می شد، شرکت نمودم. در این جلسه "سانسارا تاپلور" از رهبران رادیکال ضد جنگ و ضد دولت امپریالیسم آمریکا، سخنگوی تشکل "جهان نمی تواند صبر کند*" و از نویسندگان نشریه انقلاب، شرکت داشت. این

جلسه با دعوت از گروهها و افراد مترقی همچون تشکیلات طرفدار جدایی دین از دولت، کشیشان مترقی ضد جنگ، طرفداران صلح و عدالت، نمایندگان همجنس گرایان مرد و زن و گروههای ضد جنگ تشکیل شده بود تا درباره افشاء و مقابله با

کشیش ریاکار و متعصبی بنام "ریک وارن" که از طرف مرکز مارتین لوتر کینگ برای سخنرانی در روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ دعوت شده بود، به بحث و تبادل نظر بپردازند.

سالروز تولد مارتین لوتر کینگ، سنتاً در 19 ژانویه هر سال با شرکت گروههای مختلف برای اعلام خواسته هایشان به روز نبرد برای برقراری صلح عدالت اجتماعی و رفع تبعیض نژادی علیه دولت آمریکا تبدیل شده است. در این روز هر گروه و تشکلی بر مبنای شرایط مشخص و تضاد مشخصی که آنان را با حکمرانان دولت بورژوا- امپریالیستی آمریکا در تقابل قرار می دهد در خیابان مجاور ساختمان مرکزی مقر موزه و کلیسای مارتین لوتر کینگ به تظاهرات می پردازد.

در جلسه برگزاری جشن تولد مارتین لوتر کینگ علاوه بر دعوت از ریک وارن فاشیست، تمامی چهره های سرشناس ماشین سرکوب دولتی که در شهر آتلانتا زندگی می کنند، همچون رئیس جمهور سابق آمریکا جیمی کارتر، شهردار شهر آتلانتا، اندرو بانگ سفیر آمریکا در سازمان ملل در زمان جیمی کارتر، استاندار جورجیا، پسران و دختر مارتین لوتر کینگ و تنی چند از مهره های محلی حکمرانان دولت آمریکا شرکت داشتند. که خود نشاندهنده روندی است که جنبش ضد نژادپرستی و برقراری عدالت اجتماعی آمریکا به رهبری کینگ در همسویی و پیدا کردن وجه اشتراک با دولت مرکزی آمریکا و روند حل مسالمت آمیز تبعیض نژادی و جنبش عدالت طلبی سیاهان را در یک چهارچوب فرمیستی به دنبالچه امیال دولت امپریالیسم آمریکا مبدل نمودن که مارتین لوتر کینگ همواره بر آن تأکید نموده بود، بخود گرفته است.

در ابتدای این جلسه سانسارا تاپلور بر مبنای مقاله ای که در نشریه انقلاب نوشته بود** به افشای ریک وارن پرداخت و بر عدم وجود وجه اشتراک بین این ریاکار بنیادگرای مذهب مسیحیت و اکثریت مردم زحمتکش آمریکا پرداخت. ریک وارن با انتشار کتاب "هدف تحرک زندگی" در سال 2002 بر

مبنای آیات کتاب مقدس در میان مردم معتقد مشهور شد. ریک وارن کشیش متعصب و نژاد پرستی است که به تازگی (طرف دو سال گذشته) بعنوان یک "چهره جدید" مژده دهندگان نجات در اثر ایمان به مسیح (اوانجلیالیسم) از میان جناح راست و ارتجاعی بنیادگرایان مذهبی مسیحیان فاشیست که در طول هشت سال از پشتیبانان و متحدین حکومت کابینه بوش- چنی بودند، عروج کرده است. ریک وارن بعنوان کشیش ریاکار و متعصب بر مبنای سوره های کتاب "مقدس" (انجیل) مبلغ مجرم شمردن و غیر قانونی کردن همجنسگرایی می باشد. وی عامل اصلی بود که ازدواج همجنسگرایان را طبق لایحه هشت (پراپ 8)*** در ایالت کالیفرنیا در رأی گیری 4 نوامبر 2008 غیر قانونی کرد.

به دلیل آنکه وارن از طرف اواما نیز بعنوان تنها کشیش رسمی در روز قسم خوردنش بعنوان سرکرده جدید دولت آمریکا دعوت شده بود که به نیایش و دعا بپردازد، مقابله با این نماینده جدید بنیادگرای مسیحی و متحد رژیم اواما از درجه اهمیت خاصی برخوردار شد. بسیاری از مردم آمریکا به مخالفت با این تصمیم اواما پرداختند ولی اواما به آنها گفت که کوتاه بیایید و در تبعیت از اصل همکاری بر زمینه

وجه مشترکی که او در

طول رقابت انتخاباتی بر آن پافشاری نموده بود، دست همکاری بسوی یک کشیش فاشیست دراز کنند. ریک وارن معرف و چکیده قطعی کتاب مقدس است. که بقول سانسارا "اگر در مورد آن شک دارید، کتاب مقدس را ورق بزنید تا به سوره



20:30 لیویتیکاس برسید: در آنجایی که امر به کشتن همجنس گرایان می کند، یا به سوره اگزودس 21:15 مراجعه کنید مبنی بر اینکه فرزندی که دست روی والدین خود دراز می کنند محکوم به مرگ می باشند، یا سوره دیوترونومی 13:13-19 را بخوانید که خداوند امر می کند که پیروانش "به شهری حمله کنند و آنرا با ساکنینش، از جمله احشامشان کاملاً از بین ببرند؛ اگر حتی در میان آنان یک نفر پیدا شود که خدای "دیگری" را ستایش کند". آیا هیچیک از این موارد می تواند بیان کننده آن "وجه اشتراک" باشد که ما باید مدافع آن باشیم؟

قابل توجه است انجیل همان کتابی است که همه رئیس جمهورهای آمریکا منجمله اواما بدان سوگند یاد می کنند و متأسفانه کسی نمی پرسد که محتویات این کتاب چیست که هر رئیس جمهوری باید خود را بدان ملزم کند.

بعد از توضیحات سانسارا و تبادل نظر از سوی چند نفر در این جلسه، تصمیم گرفته شد که در تظاهرات دوشنبه 19 ژانویه، روز تولد مارتین لوتر کینگ، با ابراز رد هرگونه زمینه اشتراک با ریک وارن به افشای این نماینده "جدید" و ریاکار بنیادگرایان مسیحی همگی شرکت نماییم.

در این جلسه به من نیز بعنوان یک ایرانی ضد بنیادگرایی مذهبی رژیم جمهوری اسلامی و ضد امپریالیسم اجازه صحبت داده شد. در ابتدا به توضیح در مورد سرکوب دانشجویان ایران و دستگیریهای گسترده رژیم جمهوری اسلامی بخصوص در دانشگاه شیراز پرداختم و از آنان خواستم که در حمایت از ندای

بسیار ساکت در حالی که پشت خود را به ریک وارن نمودند سر خود را پایین قرار دادند و بدینوسیله اعتراض خود را به ماهیت این کشیش ریاکار اعلام نمودند. که بلافاصله نظم و آرامش سران بورژوازی این جلسه بهم خورد. این دو دانشجوی بعد از بیرون آمدن از محل سالن به من گفتند که در همبستگی و حمایت از دانشجویان دانشگاه شیراز و محکوم کردن سرکوب همزمانشان در سنگر دانشجویان دانشگاه ایران بوسیله رژیم بنیادگرایی جمهوری اسلامی به این کار مبادرت کردند. بعد از بهم ریختن جلسه "نجیب زندگان" بورژوازی - امپریالیست در میان هزاران نفر از شرکت کنندگان در خارج و بیرون مقر مارتین لوتر کینگ بحث و تبادل نظر در گرفت و اکثرآ دعوت از این کشیش ریاکار را ناروایی و توهین به اصل ضد تبعیض نژادی و ضد تبعیض فردی که جوهر حرکت مارتین لوتر کینگ بود، می دانستند. باز شدن چنین شکاف و تضادی در میان این جمع درک فراخوان "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" به زبان انگلیسی در میان آنان را آسانتر نمود؛ و آنان که اکثرآ از طبقات زحمتکش و متوسط آمریکایی و اکثرآ از سیاه پوستانی بودند که خود سرکوب و تبعیض نژادی، جنسی و فردی را در زندگی شان بطور روزمره لمس می کنند، سرکوب و دستگیری دانشجویان شیراز توسط رژیم بنیادگرایی ایران را شدیداً محکوم نمودند.

زنده باد همبستگی جهانی مردم ستمدیده
زنده باد همبستگی جهانی مردم ستمدیده با دانشجویان ایران
نه به بنیادگرایی مذهبی و نه به امپریالیسم

* "The world can't wait"

** No "Common Ground" with Bigot Rick Warren
http://revcom.us/a/153/R_Warren-en.html

*** **Proposition 8** was a California ballot proposition in the November 4, 2008, general election. It changed the state Constitution to restrict the definition of marriage to opposite-sex couples and eliminated same-sex couples' right to marry, thereby overriding portions of the ruling of *In re Marriage Cases*. The measure added a new section (7.5) to Article I, which reads: *Only marriage between a man and a woman is valid or recognized in California.*^{[1][2][3]} California's State Constitution put the measure into immediate effect on November 5, the day after the election.^[4] The proposition did not affect domestic partnerships in California.

ادامه از صفحه 3:

... فیلم این شعر خوانی به عنوان مراسم دانشجویان سوسیالیست در سایت‌های اینترنتی تبلیغ شد. شعری که در این مراسم خوانده شده از بار مذهبی، فرم مذهبی و کلمات مذهبی برخوردار بود. این شیوه فعالیت ربطی به سوسیالیسم ندارد. با تکیه به فرهنگ اسلامی و تکرار کلماتی چون یا علی و غیره نمی توان خود را به عنوان سوسیالیست به مردم معرفی کرد. فرهنگ و دنیای نوین دیگری را جلوی روی مردم به تصویر کشید. این روش یادآور روش برخی فعالین سندیکی است که با آیه خوانی می خواستند کارگران را حول خود گرد آورند. شاید این روشها به ظاهر و در کوتاه مدت مثرم ثمر باشند (که امروزه دقیقاً به خاطر وجود حاکمیت مذهبی از این زاویه نیز روش مؤثری نیست.) اما در دراز مدت بکار بستن این روشها به معنای زیر آب سوسیالیسم را بدست خود زدن است.

بر حق آزادیخواهی دانشجویان دانشگاه شیراز حمایت کنند، سرکوب این دانشجویان توسط رژیم بنیادگرایی جمهوری اسلامی را محکوم کنند و خواهان آزادی بی قید و شرط این دانشجویان شوند. در ادامه به توضیح ماهیت این حکومت و مبانی بنیادگرایی مذهبی در به انقیاد کشیدن و سرکوب مداوم حقوق زنان و سنگسارشان، سرکوب کارگران ایران و پایمال کردن حقوق اولیه شان از جمله حق اعتصاب و داشتن تشکل مستقل کارگری مثل سندیکا و سرکوب هرگونه ندای آزادیخواهی و استقلال طلبی در جای جای ایران و بخصوص سنگر جوانان (دانشگاه) و تبدیل دانشگاهها به پادگان پرداختم. و در آخر با پخش دو اعلامیه، که یکی فراخوان "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" به زبان انگلیسی، و دیگری اعلامیه فعالین حقوق بشر ایران در مورد سرکوب دانشجویان شیراز و ذکر اسامی تمامی دستگیر شدگان بود، در میان حضار خواهان همکاری آنان برای آزادی رفقایمان شدم.

در روز تظاهرات گروه های مختلفی که در آن جلسه شرکت نموده بودند در میان بیش از صد نفر تظاهرات کننده،



با بدست گرفتن پلاکاردهایی به زبان انگلیسی که روی آن نوشته شده بود "سرکوب دانشجویان ایران بدست رژیم جمهوری اسلامی محکوم است" و "دانشجویان دستگیر شده دانشگاه شیراز ایران را آزاد کنید" و پخش فراخوان "کمیته جوانان ایرانی در اروپا" بزبان انگلیسی در رساندن صدای مبارزات رفقایمان یاری رساندند.

نکته مهم در این تظاهرات، کاورجی (پوششی) خبری بود که از بابت بهم ریختن جلسه جشن تولد مارتین لوتر کینگ در حین سخنرانی ریک وارن این کشیش بنیادگرایی مسیحی فاشیست از آن تظاهرات کنندگان شد. سانسورا تایلور و چهار نفر دیگر از صبح زود خود را در سالن اصلی مقر مارتین لوتر کینگ جای دادند. در میان این پنج نفر نیز دو دانشجوی دانشگاه ایالتی جورجیا که از فعالین جنبش دانشجویی حزب کمونیست انقلابی آمریکا و از حامیان جنبش دانشجویی ایران و دانشجویان شیراز بودند قرار داشتند. فریاد آنان در فاصله های مختلف در زمان سخنرانی ریک وارن نظم و آرامش نجبای بورژوا امپریالیسم آمریکا را بهم زد. در دقایق اول سخنرانی وارن ابتدا تایلور پیا خاست و فریاد زد بین ما و این فاشیست ریاکار هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد. با بیرون کردن سانسورا تایلور بورژواهای "نجیب" که فکر می کردند آرامششان باز گشته است، دو نفر دانشجوی فعال و مبارز حزب کمونیست انقلابی آمریکا آهسته و با نظم خاصی به جلوی سالن رفتند و

چاقوکشی علیه جنبش دانشجویی گزارشی از دانشگاه سیستان و بلوچستان

پرستو پوینده

در دو سال پایانی دولت محمد خاتمی، فشارهای گوناگون در محیط دانشگاه سیستان و بلوچستان (از فشار بر روابط دختر و پسر تا فشار بر کانون های فرهنگی و هنری و فشار بر فعالان سیاسی) افزایش یافت. این فشارها در دولت احمدی نژاد به اوج خود رسید. در اردیبهشت ماه 1385، اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده های مهندسی و علوم پایه، در اعتراض به وضع موجود دانشگاه، با انتشار نامه سرگشاده ای به رئیس دانشگاه، تحصن اعتراض آمیز خود را برگزار کردند که با همراهی چند صد دانشجو همراه شد. ایجاد فضای پلیسی، برخورد های غیرقانونی کمیته انضباطی، نداشتن شورای صنفی و... از جمله موارد

مورد اشاره دانشجویان متحصن بود.

از آن تاریخ تا کنون، فعالان دانشگاه سیستان و بلوچستان همواره در انتقاد از رویه حاکم بر دانشگاه، نوشته، گفته و کنش کرده اند.

یکی دیگر از مشکلات این دانشگاه مربوط به حراست و نگهداری می باشد. بارها و بارها اتفاق افتاده که غیردانشجویان، بدون آن که مزاحمتی از سوی نگهداری دانشگاه متوجه آن ها شود، به داخل دانشگاه آمده و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داده اند و بی درد

سر نیز از دانشگاه خارج شده اند. حتی در بسیاری موارد (با توجه به فضای قومی - قبیله ای و امنیتی استان) نگهداری ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از خاطیان غیردانشجو حمایت کرده اند.

در پاییز گذشته، در پی مشاجره ای میان دانشجویان و غیردانشجویان در خیابان دانشگاه، تعدادی بالغ بر بیست نفر از غیردانشجویان با داشتن اسلحه سرد و گرم و بدون آن که مزاحمتی از سوی نگهداری دانشگاه متوجه آن ها شود، وارد دانشگاه شده و چند تن از دانشجویان را ضرب و شتم کرده و راهی بیمارستان می نمایند و به راحتی محیط دانشگاه را ترک می کنند. در پی این واقعه، دانشجویان در محیط دانشگاه تجمع کرده و خواستار حضور مسئولان و پاسخگویی آن ها شدند. تجمع چند ساعت به درازا کشید، اما مسئولان حاضر به حضور در میان دانشجویان نشدند و تجمع بی نتیجه پایان یافت. درست دو شب بعد، خبر حادثه ای به سرعت در میان دانشجویان پیچید؛ یک دانشجوی کارشناسی ارشد توسط غیردانشجویان در محیط دانشگاه چاقو خورده و به شدت مجروح شده و راهی بیمارستان شده است. دانشجویان به سرعت در محیط دانشگاه تجمع کرده و این بار عصبانی تر و با تعداد بیشتر خواهان حضور مسئولان دانشگاه شدند. در طی این تجمع رابط ها و دبیر کمیته انضباطی در میان تجمع کنندگان آمده و شروع به تهدید دانشجویان کردند که این قضیه باعث شد بسیاری از شعارها به سمت کمیته انضباطی سمت گیری شود و برخورد با

کمیته انضباطی نیز بر خواسته های دانشجویان افزوده گردد. پس از ساعتی، رئیس دانشگاه در جمع دانشجویان حضور پیدا کرد و بی آن که از عدم وجود امنیت در دانشگاه تحت ریاستش شرمنده باشد، خواستار پایان دادن دانشجویان به تحصن شد و گفت که اتفاقی (!!!) روی داده و آن را پیگیری خواهد نمود. دانشجویان که به قول رئیس دانشگاه مبنی بر پیگیری قضیه خوش بین نبودند، شورای تجمع کنندگان را تشکیل داده و خواسته های چندی را فهرست کردند و در تجمع برای دانشجویان خواندند و به تأیید جمع رسانیدند. مهم ترین خواسته ها عبارت بودند از عزل دبیر کمیته انضباطی و عزل مسئول انتظامات دانشگاه و عدم برخورد انضباطی با تجمع کنندگان. شورای تجمع کنندگان، ادامه تجمع را به فردا موکول کرد. شورای تجمع کنندگان متشکل از دانشجویان عضو انجمن اسلامی، ارباب نشریات دانشجویی و فعالان منتقد و دانشجویان بسیجی و نهاد رهبری و کانون قرآنی و رابطان کمیته انضباطی!!! و... حضور داشتند.

دانشجویان در روزهای بعد هر روز ساعت ها به تجمع خود ادامه دادند. ابتدا مسئولان به این تجمع بی توجهی و بی اعتنایی کردند اما با طولانی و درازدامن شدن آن، به میان دانشجویان تجمع کننده آمده و با فرافکنی و لفاظی، سعی در پراکندن دانشجویان شدند که در این کار موفق نشدند. البته یکی دیگر از راهکارهای مسئولان در پراکندن دانشجویان، ایجاد اختلاف در شورای تجمع کنندگان از طریق دانشجویان



بسیجی و عمال کمیته انضباطی و تهدید دیگر دانشجویان بود. این چنین بود که دانشجویان بسیجی و کانون قرآنی و وابستگان نهاد رهبری و رابطان کمیته انضباطی و... خواستار پایان دادن به تحصن بدون آن که نتیجه ای حاصل شده باشد شدند و حتی خواستار پس گرفتن چندی از خواسته ها شدند. با طولانی شدن تجمع، چندی از استادان نیز وارد معرکه شده و در جهت میانجیگری و به تفاهم رساندن طرفین اقداماتی انجام دادند. طی مذاکرات طرفین و البته با میانجیگری چند تن از استادان، تلویحاً و غیرمکتوب به دانشجویان وعده تحقق خواسته هایشان داده شد به شرطی که اول تجمع را پایان دهند. شورای تجمع کنندگان نیز علی رغم مخالفت های آن اعضای شورا که از مسئولان دانشگاه خط می گرفتند، با تعیین مهلتی برای تحقق وعده های مسئولان تجمع را به صورت مشروط تعلیق کرد. با سررسیدن مهلت داده شده، با توجه به این که هیچ گونه خواسته ای محقق نشده بود، دانشجویان بار دیگر درحالی تجمع را از سر گرفتند که این بار دانشجویان بسیجی و کانون قرآنی و نهاد رهبری و دانشجویان تطمیع شده و... دیگر پیگیر خواسته ها نبودند. اما پافشاری دانشجویان و به میدان آمدن برخی استادان، جریان را به آن جا کشاند که مسئولان با قول های غیرصریح شفاهی مبنی بر تحقق خواسته های دانشجویان، خواستار پایان تحصن شدند و استادان میانجیگر نیز با ذکر این که ما تضمین می کنیم خواسته های شما دانشجویان محقق شود، دانشجویان را به پایان دادن به تجمع تشویق کردند.

سه منبع و سه جزء جنبش دانشجویی در ایران

وحید ولی زاده

سالهای اخیر به طور فزاینده ای شاهد گسترش و اوجگیری اعتراضات دانشجویی در ایران بوده است. سال گذشته و در گرامیداشت روز دانشجو در ایران، پس از سالهای طولانی دانشگاه های ایران شاهد برگزاری مراسم اعتراضی متعدد در دانشگاه ها توسط دانشجویان چپ گرا و مارکسیست بود که با دستگیری های گسترده در تهران و شهرستان ها همراه بود. در حدود صد دانشجوی چپگرا دستگیر، ربوده، و با بازداشت های طولانی مدت، سلولهای انفرادی و شکنجه های روانی و جسمی مواجه شدند. سپس اعتراضات توده ای دانشجویی در دانشگاه های تربیت معلم، زنجان و شیراز رخ داد که با تحصن های چند هزار نفره و جلب حمایت های مردمی همراه بود. سال تحصیلی اخیر نیز با اعتراضات متشکل و سازماندهی شده ای در تهران، مازندران، و به ویژه، رالی بزرگ اعتراضی دانشگاه شیراز رقم می خورد. جان باختن دانشجویی در کردستان، احکام زندان طولانی مدت برای فعالین دانشجویی، پرونده های مفتوحه، وثیقه های سنگین، راهروهای ستاد خبری اطلاعات و سراسرای زخم دیده ی دانشگاه ها خبر از سهمگینی پیکاری می دهند که پشت نرده های سبزرنگ دانشگاه ها هر روز روی می دهد و جنبش دانشجویی را به مثابه یک گسل عظیم اجتماعی به حرکت درآورده است. موتور محرکه ی این جنبش نیروی خود را از سه منبع می گیرد:

نخست، اعتراضات صنفی، ناشی از سیاست های:

- 1- رویایی، فرهنگی، مانند مسائل جنسیتی، خصلت ضد علمی و غیر مدرن گرایشات حاکم بر دانشگاه
- 2- زیربنایی، اقتصادی، خط مشی نئولیبرالی، تبدیل نهاد علمی به یک بنگاه اقتصادی

بزرگ و کوچک، در مرکز و حاشیه، تفاوتی نمی کند. دانشکده و دانشگاهی نیست که از تبعیض جنسیتی گسترده، اساتید سفارشی، برنامه دروس دانشگاهی غیر علمی، و موارد مشابه رنج نبرد. تعداد زیاد واحدهای ارتجاعی و بی ربط به اندیشه مدرن، از وصایای خمینی گرفته تا اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام و... جای را بر هر گونه علم آموزی دانشگاهی تنگ کرده، تنگنایی که علوم انسانی را به کل از نفس انداخته است. از طرفی دیگر پیمانکاری شدن اغلب خدمات در دانشگاه ها، فروش تحصیلات، اجاره خوابگاه، تاجر پیشگی اساتید، و دیگر امواج توفان نئولیبرالیزه سازی در کالبد دانشگاه ها، کمتر دانشجویی را فارغ البال رها کرده است. اعتراضات صنفی دانشجویی پاسخی طبیعی و به حق از جانب دانشجویان، در برابر این مسائل و مشکلات روزمره زیستی- دانشگاهی خود است.

دوم، اعتراضات سیاسی، ناشی از سیاست های:

- 1- سرکوب فرهنگی سیاسی عظیم تر در سطح جامعه، فقدان آزادی های اساسی، ممنوعیت تحزب و غیره
- 2- بهره کشی اقتصادی و تقسیم و شکاف طبقاتی وسیع در جامعه

دهه هاست که موج سنگین گذر خفقان و سرکوب در کوچه پسکوچه های شهر سیاست ایران می گذرد. فقدان مطلق آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی تجمعات و اعتراض، آزادی پوشش، آزادی فردی و جمعی، و قطار مملو از پوتین و سرنیزه

دانشجویان به تجمع پایان دادند و در هفته های بعد، دبیر کمیته انضباطی و مسئول انتظامات دانشگاه، بی سر و صدا برکنار شدند هر چند آگاهان همچنان دبیر برکنار شده کمیته را اداره کننده واقعی کمیته می دانند.

همان گونه که پیش بینی می شد و در واقعه های مشابه روی داده بود، در موسم امتحانات و تعطیلات بین دو ترم با دانشجویان برخورد انتظامی و قضایی شد. این در حالی ست که عدم برخورد با دانشجویان تجمع کننده، یکی از خواسته های دانشجویان بود که مورد پذیرش مسئولان قرار گرفته بود. مسئولان دانشگاه نه تنها در کمیته انضباطی برای هفت تن از آن ها حکم صادر کردند، بلکه پرونده قضایی برای آن ها تشکیل دادند و در پی آن 3 تن از آنها را امروز صبح به پلیس تحویل دادند. این برخورد یادآور برخورد انضباطی و قضایی با اعضای انجمن اسلامی در سال 83 و اعضای شورای صنفی دانشگاه در سال 82 است.

سه دانشجوی دستگیر شده، پس از بازجویی توسط بازجوی اداره اطلاعات، امروز عصر آزاد شدند اما شاید آزاد کردن این سه تن دامی باشد برای به دام انداختن چهار تن دیگر که مخفی شده اند.

شایان ذکر است که تجمع یاد شده مهم ترین انگیزه برای برخورد با دانشجویان مذکور می باشد و این دانشجویان فعالیت های دیگری نیز داشته اند و از مدت ها پیش اقداماتی جهت پرونده سازی برای آن ها در کمیته انضباطی در جریان بود و نشریه های وابسته به بسیج دانشجویی، کانون قرآن و نهاد رهبری به تخریب آن ها و نشریاتشان و ... می پرداختند. دانشجویان حکم خورده:

علی باقری؛ دبیر انجمن اسلامی و مدیرمسئول نشریه "کاغذ اخبار" (پرسابقه ترین نشریه دانشگاه سیستان و بلوچستان) کامران جلیل؛ عضو انجمن اسلامی و نویسنده نشریات دانشجویی

امین صالحی؛ عضو انجمن اسلامی و فعال دانشجویی شهریار حسین بر؛ عضو انجمن اسلامی و فعال دانشجویی ابراهیم اسکافی؛ مدیرمسئول نشریه پنجره و فعال دانشجویی علیرضا نمازی؛ عضو استعفاداده شورای صنفی دانشکده مهندسی و از مسئولان نشریه "شورا"

میلاذ همتی پور؛ عضو استعفاداده شورای صنفی دانشکده مهندسی و از مسئولان نشریه "شورا"

شایان ذکر است اعضای شورای صنفی دانشکده مهندسی، در پاییز گذشته در اعتراض به عدم همکاری مسئولان و نبود فضای کار صنفی، به صورت دسته جمعی استعفا دادند. ■

با پوزش از خوانندگان نشریه بذر و جهت اطلاع

به دلیل برخی مشکلات فنی و تدارکاتی ما مجبور شده ایم که شماره 32 و 33 نشریه بذر را همزمان منتشر کنیم. ادامه مقاله "ماتریالیسم تاریخی و نظریه از خود بیگانگی انسان" نوشته رفیق پیام دامون در سایت بذر قابل دسترس است.

دست اندر کاران نشریه دانشجویی بذر

مبارزه نظری و سیاسی با آن امر نیروی رهایی بخش و دگرگون خواه دانشجویی است.

هدف چپ جامعه دگرگونی ساخت ها است، انهدام بهره کشی اقتصادی به عنوان موتور محرکه این ماشین سرکوب در مقیاس جهانی، و ساخت های مسلط فرهنگی سرکوبگر از جمله مردسالاری، دگرپاش هراسی و دگرپاش آزاری، و ساخت روابط اجتماعی دیگرگونه ای میان انسان و انسان، و انسان و طبیعت.

چپ و تحکیم راه حل های کاملاً متمایزی برای بازسازی جامعه دارند.

اجتماعی کردن وسایل تولید، مشارکت فعالانه ی تمام گروه بندی های مردم در جامعه، در رسانه ها، در سیاست، در فرهنگ، و ... و نیز خصوصی کردن آنها از طرف رفرمیست ها، که به حذف مطلق گروه های تحت ستم و محروم از حیات اجتماعی منتهی می شود.

دانشگاه مکان مهمی در این کشمکش های وسیع تر اجتماعی است و کسب هژمونی در دانشگاه عاملی کلیدی در کسب هژمونی در جامعه است. در نتیجه جریانات رفرمیستی که قصد بهره گیری از پتانسیل های اعتراضی موجود جهت بازسازی نظم موجود در سطح عالی تر را دارند، هزینه های گزافی را صرف مهار جنبش دانشجویی موجود دارند. چپ رادیکال دانشگاه اما محاسبات زورمدران و ثروتمداران جامعه را دبری است بر هم ریخته است. ■

■ شعر زیر از کاوه - پ می باشد که خود در خانواده ای سیاسی بزرگ شده است. پدر و ۴ تن از عمه های او سالها در زندانهای رژیم ایران بودند و عموی او در سال ۶۴ در زندان اوین بدار آویخته شد.

"خاوران"

خاوران نگاه ما براه تو
قلب ما می تپد برای تو

خون در رگهای ما
میرود بیاد تو

آن شهید که خفته است زیر خاک
گوید بما که ای رفیق
از دل سنگ چون سر بر آور

آمده است همدلان زمان آن
با سر خویش دار این ظالمان آذین کنیم
بیا خیزیم و با زندگی وداع کنیم

مشو غمین گر بریزند خون ما ای رفیق
بر آید لاله ها ز خون ما

کنون فریاد خشم ما از دهان پر خون لاله ها
کند زیرو رو بلرزاند ارتجاع

کاوه - پ

اطلاعات و ناجا و سپاه و لباس شخصی ها جامعه ایران در قرن بیست و یکم را خفقان زده تر و تاریک تر از اروپای قرن هجدهم نگاه داشته است. از سوی دیگر شکاف عظیم طبقاتی، و تقسیم جامعه به دو اردوگاه پهن دامنه ی کسانی که سرمایه دارند، و کسانی که جز نیروی کار خود چیزی برای زنده ماندن ندارند، جامعه ی بیرون از نرده های دانشگاه ها را متأثر کرده است. دانشجوی، لایه ای از جوانان آگاه تر و آرمان خواه تر جامعه روح عاصی چنین شهری است. مبارزه می کند برای رهایی و شادمانی همگان.

سوم، تحولات جمعیت شناختی، نسلی

جوانی و زنانگی دو مقوله مهمی هستند که به شدت مکانی برای کشمکش های سیاسی اند و تحولات فعلی ایران را نمی توان بدون در نظر گرفتن وزنه ی تحولات نسلی مورد بررسی قرار داد. جامعه ای که به شدت متأثر از ساختار سنی جوان جامعه از یکسو، و ورود گسترده زنان به جامعه است. در نبود باشگاه های جوانان، مراکز و انجمن های جوانان، محدودیت های سنتی و قانونی در برابر زنان و موارد مشابه، عمده ترین پایگاه تجمع جوانان و دختران جوان دانشگاه ها هستند.

در نتیجه دانشگاه کنونی در ایران، همچون کارخانه ی قرن نوزدهمی اروپا مکانی است که در آن اعتراض فشرده و متراکم می شود و فرصت های نوینی برای سازمان یافتگی، سنت های جمعی، خاطرات و تخیلات مشترک و موارد مشابه می سازد.

این تلاطمات متعین و از پیش معلوم نیستند. مشروط و متعین از جدال های اجتماعی هستند. دانشگاه بخشی از جامعه است و دانشجوی لایه ای در اجتماع. جنبش دانشجویی متأثر از حیات سیاسی جامعه مسیری یکه، و نیز مسیرهایی نامحدود، در پیش ندارد.

می توان به لحاظ نظری سه شق را محتمل دانست.

اول، سرکوب سیاه و واداری جامعه و دانشگاه از متابعت از فرآیندهای اقتصادی و فرهنگی حاکمیت کنونی
دوم، آشتی دادن مطالبات دانشجویان با روندهای عمومی تر اجتماعی از طریق برخی رفرم ها و بهره گیری از نیروی اعتراضی در جهت اصلاح و ترمیم نظم اجتماعی
سوم، گسترش ایده های دگرگون خواهانه در سطح جامعه و دگرگونی ساخت های سرکوبگر اقتصادی و فرهنگی

در متن چنین جدال هایی باید عمل سیاسی، نظری، فرهنگی و اجتماعی را در جنبش دانشجویی مورد بحث قرار داد.
بسیج، تحکیم، و دانشجویان چپ و آزادیخواه و برابری طلب را می توان متناظر با این مسیرهای محتمل دانست.

بسیج دانشگاه ابزار عریان سرکوب حکومتی در درون دانشگاه هاست. دفتر تحکیم وحدت با پیوندهای گسترده نظری و تشکیلاتی خود با جناح های رفرمیست درون حاکمیت و بورژوازی جامعه ابزاری برای کانالیزه کردن جنبش دانشجویی جهت بهبود و بهینه سازی نظام موجود است؛ و جریانات رادیکال چپ درون دانشگاه ها بخشی مهم از حرکت اجتماعی وسیع تر دگرگون خواه و رهایی بخش جامعه است. چنین زمینه ای نحوه مواجهه نیروی چپ در دانشگاه را با انجمن های اسلامی دانشجویی روشن می کند. از منظر دراز مدت و راهبردی، دفتر تحکیم وحدت بخشی از نظم موجود است که

سه مصاحبه با فعالین جنبش دانشجویی

مطرح می کند و اصلاح طلبان می خواهند دوباره با تحکیمی ها قدرت برتر در دانشگاه باشند. اما بدنه دانشجویی گرایش به حقیقت را بیشتر طالب است. مراسم های رادیکال و اعتراضی بسیار خوب، در شهرستانها تأییدی بر این موضوع بود. اما به هر حال اگر آلترناتیو خاصی از سوی فعالین دانشجویی چپ در مقابل دانشجویان گذاشته نشود، مسلماً به گرایشات لیبرال، ملی مذهبی و دیگر نیروهای راست موجود در دانشگاه کشیده می شوند. اما با توجه به اینکه تفکر چپ و مارکسیستی در دانشگاه شناخته شده و همچنین با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر دنیا و کشور زمینه مساعدی برای آگاه کردن و تأثیر گذاشتن بر بدنه دانشجویی موجود می باشد.

■ **به نظر شما امروزه دفتر تحکیم وحدت چه جایگاهی در این جنبش دارد؟ و برخورد فعالین جنبش دانشجویی بویژه فعالین چپ باید بدان چه باشد؟**

□ تحکیم کنونی فاقد آن قدرتی است که در نیمه دوم دهه هفتاد داشت، اما با توجه به انتخابات، اصلاح طلبان باز به تکاپو افتاده اند تا در دانشگاه پایه بگیرند. حضور خاتمی در دانشگاه هم یکی از نشانه های آن است. به نظر من فعالین چپ با مطرح کردن ایدئولوژی صحیح و انقلابی و افشا نمودن تفکرات راست تحکیم و همچنین سابقه حاکمیت 8 ساله "نو خردادی" های دیروز و اصلاح طلبان امروز که چیزی جدا از سیاست های حکومت نیست باید چهره واقعی آنان را به دانشجویان نشان دهند.

■ **به نظر می آید رژیم برنامه های وسیعی برای سرکوب و مرعوب کردن جنبش دانشجویی در پیش گرفته است به نظر شما چگونه می توان این نقشه ها و برنامه ها را خنثی کرد؟ چه فرمهای تشکیلاتی و اشکال مبارزاتی را در این زمینه پیشنهاد می دهید؟ چه رابطه ای میان مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان قائل هستید؟**

□ سرکوب و ارباب به شکلهای مختلف آن در تمام دورههای مبارزاتی و در تمام رژیم های ارتجاعی موجود بوده است و هزینه دادن و دستگیری جزئی جدا ناپذیر از مبارزه است. اما با برخورد صحیح و علمی به مبارزه و فعالیت سیاسی، رعایت اصول کار مخفی، آگاه شدن و آگاه نمودن همه فعالین در هنگام دستگیری و برخورد با نیروهای امنیتی برای اینکه ضربه به کمترین حد ممکن برسد، استفاده از فعالین شناخته نشده ولی در عین حال آگاه و آموزش دیده در زمانهایی که سرکوب شدت بیشتری پیدا کرده و فعالین شناخته شده در معرض خطر بیشتری هستند؛ از راهکارهای مناسب می باشد. هسته های مخفی دانشجویی و پخش فعالین شناخته شده و مؤثر در میان هسته ها، جمع نشدن این فعالین در یکجا در جلسات مهم و یا اگر ضروری باشد با رعایت کامل مسائل امنیتی صورت بگیرد.

مبارزات صنفی همیشه مبارزه ای خودبخودی بوده است که اغلب با برآورده شدن خواسته صنفی پایان می یابد و گاه نیز با سرکوب که مواجه می شود خنثی می شود. اما اگر همین مبارزات صنفی به شکل درست هدایت شود، می تواند تبدیل به مبارزه ای آگاهانه شود و شکل سیاسی به خود بگیرد. مبارزات دانشگاه شیراز نمونه خوبی از این ماجراست.

■ **می دانیم که ضربه پارسال مشکلات زیادی برای بخش چپ جنبش دانشجویی بیار آورد و می دانیم که به مباحث گوناگونی دامن زد؛ ارزیابی کلی تان از این مباحث و جایگاه تظاهرات 13 آذر پارسال چیست؟**

نشریه بذر تلاش دارد از طریق مصاحبه با رفقای درگیر در جنبش دانشجویی بویژه رفقای که نقش فعال در مبارزه سال گذشته داشته اند، به بحث و جدلی دوستانه برای جمع بندی صحیح و همه جانبه از تجارب چند ساله اخیر فعالین چپ دانشگاه دامن زند. تا کنون نشریه بذر تلاشی متفاوت را برای جمع بندی از مبارزات گذشته چپ در دانشگاهها و ضربه سال قبل آغاز کرده است. ولی معتقدیم که اینکار فقط با همت جمعی رفقای فعال چپ، بویژه رفقای که مسقیماً دست اندرکار این مبارزات بودند امکان پذیر است. ما اهمیت این موضوع و این جمع بندی را نه تنها برای ادامه کاری جنبش و دور تازه مبارزات قائلیم، بلکه مطمئنیم بدون انجام این کار مهم، نقص دیگری بر جنبش ما اضافه می شود. اینرا هم می دانیم که در شرایط حاد سیاسی دنیا، شرایط شکننده داخلی و مبارزات توده های تحت ستم، جنبش دانشجویی نقشی انکار ناپذیر در قطب بندی سیاسی جامعه و جهت دهی به سایر جنبشهای توده ای دارد، مردم به این جنبش نگاه می کنند. بدون جمع بندی از پراتیک قبلی ما نخواهیم توانست دور بعدی را با جهت گیری صحیح ادامه دهیم. امکان تکرار خطاهای قبلی، در دام نیروهای راست افتادن، انفعال ... هست.

با این انگیزه مبارزاتی ما به شماری از فعالین چپ دانشجویی رجوع کردیم و سئوالات مان را در اختیار شان قرار دادیم تا با پاسخگویی بدانها به امر جمع بندی از تجربه دوره اخیر یاری رسانند.

تا کنون سه تن از رفقا پاسخهای خود را برای ما ارسال کرده اند. که در این شماره مشاهده می کنید. شما نیز می توانید به این سئوالات پاسخ داده و برای درج در نشریه برای ما ارسال کنید.

با آروزی موفقیت برای جنبش جوان و نوپایمان دست اندرکاران نشریه دانشجویی بذر

مصاحبه اول با سارا

■ **ارزیابی تان از 16 آذر امسال چیست؟ به نظر شما شاخصهای سیاسی مهم مبارزات دانشجویان و برخورد حکومت بدان چه بود؟ منعکس کننده چه صف بندی های سیاسی در جامعه بود؟ درسهای مهم آن چه بودند؟**

□ به دلیل سرکوب پارسال در تهران امکان برگزاری مراسم نبود. اما در شهرستانها برنامه های خوب و رادیکالی برگزار شد که این نشانه خوبی بود. در عین حال برخلاف سالهای گذشته رژیم از چند روز قبل مدام در رادیو و تلویزیون و روزنامه ها از 16 آذر صحبت می کرد و تلاش می کرد که در نبود نیروهای چپ قدرت تشکل های وابسته به خودش مثل بسیج و تحکیم را به رخ بکشد. در عین حال برنامه های این دو تشکل نشان دهنده جدال جناحهای مختلف حکومت و به طور مشخص اصلاح طلبان و اصولگراها بود. یکی از درس های مهم این بود که در آستانه انتخابات، اصلاح طلبان در مراسم تحکیم با مطرح کردن شعارهایی که بیشتر متعلق به دانشجویان چپ بود سعی کردند، ظاهری رادیکال به خود بگیرند که البته اصلاً رادیکال هم نبود.

■ **وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و صف بندی های فکری و سیاسی درون آن را چگونه ارزیابی می کنید؟ در شرایط کنونی چه نقشی برای جنبش دانشجویی قائل هستید؟**

□ شاخه های دانشجویی جناحهای مختلف حکومت به شکلهای مختلف می خواهند قدرت نمایی کنند. بسیج انقلاب فرهنگی را

□ در قسمتهای بالا در این مورد نکاتی را ذکر کردم. اما چند مورد دیگر را نیز بازگو می‌کنم. همانطور که گفتیم عدم رعایت اصول مخفی کاری و یا رعایت آن به حداقل ترین شکل ممکن مهمترین علت ضربه بود. استفاده از تلفن برای قراردادهای سیاسی و فعالیتها، استفاده از اینترنت در منزل برای فعالیتها، استفاده از نام اصلی افراد در نشریات دانشجویی و مقالات به شکل علنی و بسیاری نکات مهم دیگر که در این سؤال نمی‌توان به بسیاری از آن موارد پرداخت از آن جمله است. مسلماً مخفی کاری از اصول بسیار مهم و لاینفک مبارزه سیاسی از گذشته تا کنون بوده است، که درجات آن در دوره های مختلف و با توجه به شرایط سیاسی جامعه متفاوت می‌شود. اما از اهمیت آن هیچگاه کاسته نمی‌شود؛ و با توجه به شرایط خفقان امروز جامعه ایران و جو سرکوب های وحشیانه که نمونه ای از آن پارسال برای دانشجویان اتفاق افتاد رعایت این اصول بیش از پیش احساس می‌شود. مسلماً کار مخفی جدا از کار علنی نمی‌باشد و تلفیق این دو برای مبارزه ضروری می‌باشد. بسیاری به کار مخفی انتقاد می‌کنند و آن را مانعی برای کار سیاسی و شناخته شدن می‌دانند. اما مهم شخص نیست که باید شناخته شود بلکه تفکر و ایدئولوژی است که باید ترویج و شناخته شود. تجربه سالها مبارزه فعالین مختلف نشان می‌دهد که این امر امکان پذیر است.

■ **جمع بندی تان از تجربه زندان - به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از فعالیت سیاسی در ایران - چیست؟ تا چه حد برای رویارویی با این مسأله آماده بودید؟ چه درسی از زندان گرفتید؟ چگونه می‌توان این درسها را فراگیر کرد؟**

□ به هر حال دستگیری و زندان همانطور که خودتان بیان کرده اید جزئی جدایی ناپذیر از مبارزه است. فردی که فعالیت سیاسی می‌کند باید همیشه برای این مسئله آماده داشته باشد. یکی از کارهایی که باید انجام دهد این است که آمادگی لازم را از قبل کسب کند که در هنگام دستگیری و برخورد با پلیس چگونه برخورد کند. تدابیر لازم را برای چگونگی برخورد در زندان و با بازجوها کسب کند. اگر چه همه اینها به معنی این نیست که اگر کسی همه این موارد را انجام داد، هیچگاه شناخته نمی‌شود و مشکلی پیدا نمی‌کند؛ اما مسلماً وسعت ضربه به افراد و ارتباطات آنها را کاهش و مقاومت در زندان را افزایش داده و کمک می‌کند که فرد تا حد امکان به شکل درستی برخورد کند. نمی‌دانم که چگونه ممکن است که درسهای زندان را فراگیر کرد، اما فکر می‌کنم که بسیار لازم است. چرا که تجربه ای بسیار مهم است که می‌توان به رفقای دیگر منتقل کرد، چرا که نباید هر چیزی را تجربه کرد.

■ **به نظر شما مهمترین مؤلفه - یا مؤلفه ها - برای بازسازی و فعال شدن مجدد چپ در دانشگاههای کشور در شرایط امروزی کدام است؟**

□ شاید مهمترین مؤلفه در ابتدا جمع بندی از اشتباهات گذشته، نقد اصولی و واقع بینانه و بعد تصمیمی گیری درست برای فعالیت های آینده می‌باشد. مؤلفه بعدی تلاش برای اتحاد عمل فعالین چپ دانشجویی برای نوسازی جنبش و تأثیر بر روی بدنه دانشجویی و آگاه نمودن صحیح آنها می‌باشد.

■ **با توجه به حضور پررنگ مبارزه دختران دانشجو علیه تبعیض جنسیتی در جنبش دانشجویی و علیرغم نقش مثبتی که چپ تاریخی در برافراشتن پرچم آزادی زنان در جامعه داشته است، دلایل اینکه چپ نتوانسته به اندازه لازم این نیروی پر شور و جدید را به صفوف خود جلب کند چیست؟ نیروی که**

□ به نظر من ضربه پارسال اصلاً ربطی به برگزاری مراسم 13 آذر نداشت و اتفاقاً برگزاری مراسم با توجه به سرکوب شدیدی که صورت گرفته بود و با توجه به این نکته که مراسمی کاملاً چپی بود و بدون ائتلاف با نیروهای دیگر از جمله تحکیمی ها، بسیار مثبت بود. ضربه پارسال دلایل دیگری داشت که در نشریات و سایتها گوناگون به آن پرداخته شده است. اما در هر صورت باعث ضربه هایی به بخشی از جنبش و تعدادی از فعالین شد. اما بر خلاف نظر بعضی ها که عنوان کردند، جنبش چپ دانشجویی خاموش شد و به این زودی ها روشن نخواهد شد و ضربه ریشه ای بود و فاتحه جنبش را باید خواند، اصلاً اعتقاد ندارم و مبارزات گوناگون از پارسال تاکنون در تمام دانشگاههای کشور که بسیار رادیکال هم بود تأییدی بر این موضوع است.

■ **صرف نظر از گرایشات محافظه کارانه و بدبینانه ای که خط بطلان بر مبارزه پارسال ما می‌کشند، به نظر شما بخش چپ جنبش دانشجویی از چه کمبودها و اشکالاتی در زمینه فرم و مضمون فعالیت خود رنج می‌برد که نتوانست دامنه ضربه پارسال را محدود کند و مهمتر از آن ادامه کاری خود را حفظ کند؟ آیا در این زمینه شما جمع بندی خاصی از جریان "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" دارید؟**

□ به نظر من مهمترین مسئله ای که باعث شد ضربه پارسال بسیار وسیع شود کار علنی بود که البته فقط مربوط به برگزاری مراسم 13 آذر نبود. بلکه طی چند سال تحت نظر قرار گرفتن فعالین علنی کار از سوی نیروهای رژیم و کشف تمام ارتباطات آنها، 13 آذر بهانه ای شد برای دستگیریها. البته مسئله مهم این است که این شکل از فعالیت سیاسی مربوط به ایدئولوژی و خط فکری خاصی بود که تعدادی آگاهانه و عده ای نیز نا آگاهانه آن را پذیرفته و اجرا می‌کردند و این که چرا نتوانست ادامه کاری خود را حفظ کند به این دلیل بود که عده ای که نا آگاهانه این خط را دنبال می‌کردند، پاسپو شدند. البته عده ای هم که آگاهانه فعالیت می‌کردند نیز کناره گیری کردند. تعدادی نیز هنوز هم نقد درست و ایدئولوژیک به خط اشتباه خود ندارند و دقیقاً به همین دلیل دیگر نمی‌توانند به فعالیت و کار خود ادامه دهند. به نظر من جریان "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" بر خلاف نظر چند تن از لیبرهای این جریان که این عنوان را تنها یک صفت تلقی می‌کنند که همه دانشجویان چپ می‌توانند زیر این عنوان جمع شوند و فعالیت کنند نیست. این عنوان پرچم یک جریان خاص با خط سیاسی مشخص می‌باشد که مسلماً هدف فعالین این جریان نیز ترویج این خط سیاسی بوده است. فکر نمی‌کنم که هیچ تفکری مخالف آزادی و برابری باشد، اما "آزادی، برابری" شعار مشخص یک جریان فکری می‌باشد. بر خود لازم می‌دانم که در همین رابطه نکته ای را طرح کنم و آنهم اینکه فعالین چپ دانشجویی فقط منحصر به جریان آزادیخواه و برابری طلب نمی‌باشد و جریانهای فعال دیگری نیز موجود هستند.

■ **اشکالات فعالین چپ دانشگاه در زمینه رعایت مسأله مخفی کاری و برقراری رابطه درست میان فعالیت علنی و مخفی چه بود؟ تا چه میزان این مسأله در گسترش دامنه ضربات پارسال مؤثر بود؟ با توجه به اینکه رفقای زیادی به نحوه و فرم فعالیتها گذشته و علنی گرایی افراطی انتقاد دارند. آیا تلفیق صحیح و بجا فعالیت مخفی و علنی را برای فعالین دانشجویی لازم می‌دانید و اگر آری چگونه؟**

اینبار آگاه تر. جنبش چپ همیشه نیاز به نیروهای جوان و انقلابی دارد که دانشگاه خاستگاه بسیار مناسبی برای ساختن این نیروها می باشد. به نظر من مسئله ایدئولوژی موضوع بسیار مهمی برای مباحثه می باشد چه در میان گرایشات چپ و چه در میان چپ و گرایشات فکری دیگر. اکنون همه گرایشات فکری اعم از راست، مذهبی، ارتجاعی و ... همه با ایدئولوژی کار می کنند. چرا که پایه همه چیز اعم از تئوری و پراتیک است. در میان گرایشات چپ باید به بحث ایدئولوژی کمونیستی دامن زد. باید همه جا آن را به کار برد. پراتیک تمام کسانی که معتقد به کمونیسم هستند، باید کمونیستی باشد تا بتواند تئوری آن را به میان توده ها ببرد و در مقابل گرایشات راست و ارتجاعی نیز باید کار ایدئولوژیک نمود. برخلاف بعضی از تفکرات میان جنبش چپ که می خواهند، جنبش دانشجویی دنباله سابر جنبش های اجتماعی بالاخص جنبش کارگری باشد، من با این نظر به شدت مخالفم. جنبش دانشجویی به عنوان یک جنبش اجتماعی و عینی موجود است؛ اما همیشه با همه جنبش های رادیکال و اجتماعی همراه بوده، چرا که هدف همه آنها همگی به یک چیز ختم می شود و در یک جهت قرار دارد و آن دیکتاتوری پرولتاریا می باشد. جنبش چپ دانشجویی به عنوان قشر آگاه و روشنفکر باید به میان کارگران برود و کار آگاه گرانه بکند و در مبارزات کارگران شرکت کرده و حمایت کند. باید بدنه دانشجویی را با مفهوم کارگر و خواستگاه آنها و این که چرا چپ ها خواهان برقراری دیکتاتوری پرولتاریا می باشند، آشنا کند.

■ چگونه می توان بر گرایشات سکتاریستی که در میان برخی گرایشات چپ در دانشگاه موجود است فائق آمد؟ فکر می کنید دلایل این سکتاریسم چیست؟ چگونه می توان به همکاری میان گرایشات مختلف چپ دامن زد؟ به گونه ای که از یکسو عمیقترین و جدی ترین جدلها را میان خود داشته باشند و از سوی مستحکم ترین اتحاد مبارزاتی را به نمایش در آورند؟

□ دلایل سکتاریسم به دیدگاه و خط فکری و سیاسی گرایشات مورد نظر برمی گردد. با نقد همه جانبه شاید بتوان بر روی این گرایشات تأثیر گذاشت، چرا که به همان دلیل سکتاریست بودن انتقاد پذیر نیز نیستند و این بزرگترین آفت هر جریان فکری می باشد. با پیش کشیدن بحث های درست و عمیق و تعیین هدف نهایی از مبارزه و از حاشیه به متن آمدن و تعیین تاکتیک و استراتژی صحیح، مشخص نمودن دشمن و تعیین موضع در مقابل آن می توان به همکاری میان گرایشات مختلف دامن زد. همانطور که در جواب سوال قبلی گفتم باید ایدئولوژی کمونیستی را همه جانبه مطرح کرد و به کار برد. ایدئولوژی که باید به دور از آلودگیهای چون فرمیسیم و اکونومیسیم و ... باشد. چرا که همین مسائل است که به سکتاریسم منجر می شود.

■ به نظر تان نشریه بذر در ارتباط با مباحث درون جنبش دانشجویی (بویژه بخش چپ آن) چه نقشی می تواند داشته باشد؟ و چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟ چه پیشنهاد مشخصی دارید؟

□ دامن زدن به مباحثی که در این پرسشنامه مطرح شده، بسیار خوب بود. اگرچه سوالات کلی بود؛ اما همه جانبه بود و اگر کمی جزئی تر و خاص تر به همین موضوعات پرداخته شود می تواند بسیار تأثیرگذارتر باشد. مقاله های مربوط به جمع بندی هم بسیار مهم و مؤثر بود.

می دانیم طی یکساله اخیر موجب رادیکالیزه تر شدن و توده ای تر شدن جنبش دانشجویی شده است. چپ چه راهکارهایی را باید در زمینه نظری و عملی در این زمینه و جذب این انرژی عظیمی انقلابی به صفوف خود ارائه دهد؟

□ شاید یکی از دلایلی که چپ نتوانسته این نیروی با انگیزه را جذب کند، جو غالب موجود در جامعه کنونی می باشد که بسیار مرد سالارانه و ضد زن می باشد. حتی در بین بعضی فعالین دانشجویی هم این مسئله موجود است که زن ها باید به عنوان سیاهی لشکر باشند و پشت سر مردان باشند. باید مردان از زنان مراقبت کنند که آسیبی به آنها نرسد. اگر بخواهم درست تر بگویم هنوز تفکر سنتی که قبلاً در بین بسیاری از جریانات چپ موجود بود اکنون بعد از سالها مبارزه هنوز بین بعضی از جریانات موجود می باشد. یعنی خط سیاسی آنها اینگونه می باشد. بسیاری مسئله زنان را سیاسی نمی بینند و به آن به عنوان مسئله حاشیه ای نگاه می کنند. اما در چند سال اخیر حضور دختران در صحنه اعتراضات دانشجویی، دستگیری و تجربه زندان نشان داد که با نیرویی بسیار جدی و با پتانسیل انقلابی مواجهیم. بر عهده گرفتن و واگذار نمودن مسئولیتهای جدی، ایجاد تشکل های مستقل زنان از جمله راهکارهای عملی و پرداختن به مسایل زنان در محافل مطالعاتی و در نشریات و مقالات به عنوان مسایل نظری مهم می باشد.

■ به نظر شما نقش هنر انقلابی در گسترش جنبش دانشجویی چیست؟ تا چه اندازه به این مساله از جانب فعالین چپ توجه نشان داده می شود؟ در این زمینه چه اقداماتی باید اتخاذ شود؟

□ به هر حال کسانی که فعالیت سیاسی می کنند باید همه جانبه به مسائل اجتماعی نگاه کنند. هنریکی از مسائل مهم اجتماعی و قابل توجه از دید توده مردم می باشد. هنر باید برای مردم و در خدمت به آگاه نمودن توده ها باشد. هنر انقلابی ایدئولوژی صحیح را میان مردم ترویج می دهد. اما متأسفانه من فکر می کنم که به هنر از جانب فعالین چپ توجه زیادی نمی شود. دانشگاه محیط مناسبی می باشد که بتوان در این زمینه فعالیت کرد. برگزاری جلسات فیلم، تشکیل گروههای تئاتر، برگزاری جلسات نقد کتاب و ... از جمله این فعالیتها می باشد و همچنین پرداختن مستمر به مسایل هنری در نشریات و مقالات نیز از اهمیت زیادی برخوردار می باشد.

■ به نظر شما چپ دانشجویی چه نقشی می تواند در بازسازی و نوسازی جنبش چپ در کل جامعه ایران ایفا کند؟ در این زمینه فکر می کنید باید به چه مباحثی در میان خود و در مقابله با دیگر گرایشات فکری خارج از جنبش چپ دامن زد؟ از این منظر به نظر شما مهمترین وظیفه جنبش دانشجویی مشخصاً بخش چپ آن در قبال دیگر جنبشهای توده ای - بویژه جنبش کارگری - چیست؟

□ من فکر می کنم چپ دانشجویی به عنوان نیروی آگاه و روشنفکر و با پتانسیل در جامعه و همچنین به عنوان نیروی جوانی که بر خاسته از میان توده های مردم، اگر چه با خواستهای طبقاتی مختلف می باشد؛ می تواند بسیار تأثیر گذار باشد. جنبش دانشجویی یکی از جنبش های اجتماعی موجود می باشد که بعلت صفت آگاه بودن در میان توده ها دارای مقبولیت خاصی می باشد. در تاریخ مبارزات چپ ایران و حتی جهان نیز دانشجویان همیشه نیروهای پیشرو و تأثیرگذار بوده اند و بسیاری از کادرهای سازمان ها و تشکل های مختلف چپ از میان دانشجویان برخاسته بودند. چرا که دانشجویان بعد از دانشگاه نیز باز به میان جامعه و توده ها باز می گردند اما

مصاحبه دوم با هوشیار

■ وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و صف بندی های فکری و سیاسی درون آن را چگونه ارزیابی می کنید؟ در شرایط کنونی چه نقشی برای جنبش دانشجویی قائل هستید؟

□ اگر فراموش نکنیم که جنبش دانشجویی لاجرم می بایستی برای ادامه ثمر بخشی، استقلال خود را از ارکان حکومتی حفظ کند، روند تلاش برای به نابودی کشیدن روحیه انتقادی آنان با اتفاقاتی که در پلی تکنیک روی داد و تلاش هایی که انجمن اسلامی این دانشگاه در این زمینه کرد و به تبع آن جایگزینی تشریفاتی آنان با معلوم الحالان، بیشتر گویای واقعیت دردناکی است که همانا بی هویت کردن نامهای شناخته شده در جنبش دانشجویی به معنای انجمن اسلامی است. اما جنبش دانشجویی که می بایستی مستقل از حکومت و به طور نامشروع فعالیت کند که اخیراً گویا انجمن اسلامی نیز در حال پیوستن به این جرگه بود، با چند اشتباه خود را نابود ساخته است. اما باید گفت که بازگشت این جنبش به مسیر درست طولی نخواهد کشید. اگر مرز بین جنبش دانشجویی و سر سپردگی دانشجویی روشن شده است و با بینش به این امر که بخش اعظم دانشجویان در این فضای سرخورگی به لابیگری پناه برده اند و سیاسی شدن به مانند طاعون زدگی برایشان ناگوار می نماید، در مورد جنبش دانشجویی جای بحث وجود دارد.

جنبش دانشجویی در حال حاضر به دو دسته کلی تقسیم می شود:
1- آنهایی که با ساختار حکومت به طور کامل مشکل دارند

و هیچ سازشی بر نمی تائیند.
2- آنهایی که اصلاح طلبی را شعار کرده اند. بعضی به غیر دینی بودن حکومت اصرار می ورزند و بعضی دیگر تلاش در سهم خواهی در حکومت دارند که این بخش آخر بیشتر در مورد دفتر تحکیم جدا افتاده از دانشجویان صادق است. اگر شاخه دانشجویی سپاه (بسیج) را که به حق جزو جنبش دانشجویی نیست بلکه بخش دانشجویی سپاه است را از دایره رو به ابتدال دانشجویان سیاسی کنار بگذاریم، صف بندی های فکری دانشجویی به دو سمت لیبرال و چپ گرایش دارد که دانایی و خود شیفتگی دانشجویان چپ باعث انزوا و کلونیزه شدن آنها شده است و سر خوردگی تجربه دستگیری ها بیشتر به درونگرایی اعضا این جنبش انجامیده است. اما در مورد لیبرال ها که خط مشی مقلدان به آن خود باعث دو خط مشی خواهد شد.

1) افزایش بی آگاهی با تلاش جهت ایجاد عدم آگاهی باعث گسترش نادانی خواهد شد که موجب ایجاد حرکت های کارناوالی در دانشجویان هوادار می شود.
2) سعی در تبدیل شدن به کسی که می تواند در تقسیم قدرت آینده دور یا نزدیک سهیم باشد.

اما برای برون رفت از این ابتدال، جنبش دانشجویی می بایست با بازگشت به هویت خویش و عدم وابستگی، سعی در آگاهی بخشی داشته باشد و این آگاهی بخشی از هر مجرای حتی با شب نامه و نشریه غیر قانونی مهم ترین بخش کار است.

■ به نظر شما امروزه دفتر تحکیم وحدت چه جایگاهی در این جنبش دارد؟ و برخورد فعالین جنبش دانشجویی بویژه فعالین چپ باید بدان چه باشد؟

□ اگر دفتر تحکیم پیرو مسیر ایجاد شده در طی دولت اصلاحات در انتخابات جاری و در آینده تلاش در سهم خواهی داشته باشد، فعالین چپ می بایستی همان رفتاری را با آنها

■ ارزیابی تان از 16 آذر امسال چیست؟ به نظر شما شاخصهای سیاسی مهم مبارزات دانشجویان و برخورد حکومت بدان چه بود؟ منعکس کننده چه صف بندی های سیاسی در جامعه بود؟ درسهای مهم آن چه بودند؟

□ خاموشی جنبش چپ و غوغای انجمن اسلامی و دفتر تحکیم. بطور مشخص 16 آذر امسال و جنبش دانشجویی را می توان در دو حرکت دانشگاه تهران (برنامه دفتر تحکیم) و برنامه شیراز دانست. حضور نیروهای چپ در این تجمع ها با سرخوردگی همراه بود. تشکل های دانشجویی با هویت چپ که به دور از تخیل در صحنه فعالیت سیاسی حضور داشته اند، امسال تنها به صادر کردن بیانیه اکتفا کردند. بیانیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به قلم بهروز کریمی زاده بیشتر نامه ای از عدم توفیق و ترس از هزینه بیشتر بود.

شاخصه های سیاسی جنبش دانشجویی امسال باز خورد ناخواسته ای از فشارهای اجتماعی و نا خودآگاه اجتماع بود. به طوری که خواستهای رادیکال دانشجویی در این روز از نقد ساختاری نظام به نقد دولت و خواست ارتجاعی بازگشت دولت اصلاحات فرو کاست. از اینرو می توان به شاخصه های زیر اشاره کرد.
- خواست تغییر در رده های میانی حکومت نه دیدگاه انتقادی به ساختار حکومت.

- وجود روحیه کارناوالی در دانشجویانی که خواستار شور و هیجان هستند، نه روحیه سیاسی- انتقادی.

- عدم وجود پیگیری خواسته های دانشجویی.

- سر خوردگی بخش اعظمی از فعالین دانشجویی.

- جدا افتادگی نسل جدید دانشجویان از فعالین سابق و ...

می توان گفت بخش اعظم جنبش دانشجویی در 16 آذر امسال تقریباً مستقل از صف بندی های سیاسی - اجتماعی بود. برای تشریح این مطلب توجه به این امر که سیاستهای اجرایی دولت نهم باعث تغییر زاویه انتقاد از حکومت به دولت شده است، می تواند تنها یک صف بندی مشخص در سطح اجتماع به معنای عام را ایجاد کند و آن اعتراض به وضع نا بسامان اقتصادی و رضایت به هر چه غیر از دولت بی کفایت اقتصادی است. اما در سطح خاص اجتماعی که می توان بخش اعظم اجتماع را از آن حذف کرد، رقابت برای کسب قدرت بین دو جبهه اصولگرا و اصلاح طلب است که می توان گفت جنبش دانشجویی که لاجرم بر اساس ماهیت وجودی می بایست از هر دو مستقل باشد از فشار فضای خفقان آور سیاسی - امنیتی ایجاد شده توسط اصولگرایان افراطی به روی اصلاح طلبان آغوش گشوده است.

جنبش دانشجویی در 16 آذر امسال نشانگر کاستیهای بسیاری بود که می توان بر شمرد:

- خاموشی گروهها و دانشجویانی که تحت حزب قرار گرفته بودند که باعث پاک شدن خاطره آنان از حافظه کوتاه مدت جنبش دانشجویی شده بود.

- حضور موفق انجمن اسلامی که گویا در نتیجه زد و بند با حکومت برای حفظ بقا تلاش می کند.

- عدم حفظ استقلال جنبش دانشجویی.

- سطحی شدن اعتراضات و عدم وجود آگاهی بخشی مستمر.

■ صرف نظر از گرایش‌های محافظه کارانه و بدبینانه ای که خط بطلان بر مبارزه پارسال ما می کشند، به نظر شما بخش چپ جنبش دانشجویی از چه کمبودها و اشکالاتی در زمینه فرم و مضمون فعالیت خود رنج می برد که نتوانست دامنه ضربه پارسال را محدود کند و مهمتر از آن ادامه کاری خود را حفظ کند؟ آیا در این زمینه شما جمع بندی خاصی از جریان "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" دارید؟

□ روند رو به رشد آزادی - برابری در عضو گیری و عدم توفیق در آگاهی بخشی به اعضا، فعالیت سیاسی را در حد بازی های کودکانه فرو کاسته و سهل انگاری های گروه های چپ، عدم وجود آگاهی منسجم، عدم وجود مرز بندی در اطلاعات، عدم التزام به حرکت سیستماتیک، عوامل اصلی وادادگی در برابر موج سرکوب بر شمرده می شود. در کنار این مطالب توهم فضای باز سیاسی بجا مانده از دولت اصلاحات نیز در این سرکوب و وادادگی بی تأثیر نیست. مبارزه به شیوه چپ با ساختار حکومتی غیرسوسیالیستی یعنی پذیرش رویارویی با تمامی قدرت با حکومت و هیچ ساده انگاری در این میان درک پذیر نیست.

■ اشکالات فعالین چپ دانشگاه در زمینه رعایت مسأله مخفی کاری و برقراری رابطه درست میان فعالیت علنی و مخفی چه بود؟ تا چه میزان این مسأله در گسترش دامنه ضربات پارسال مؤثر بود؟ با توجه به اینکه رفقای زیادی به نحوه و فرم فعالیت های گذشته و علنی گرایی افراطی انتقاد دارند. آیا تلفیق صحیح و بجا فعالیت مخفی و علنی را برای فعالین دانشجویی لازم می دانید و اگر آری چگونه؟

□ ارائه تلفیق درستی برای ترکیب کار مخفی و علنی به صورت یک نسخه تمام عیار، حماقت محض و به دور از دیالکتیک است. اما الزام به دسته بندی اطلاعات به دور از تحقیق خود در ساده انگاری حکومت در هر برهه زمانی می تواند این ترکیب را مشخص کند. جنبش دانشجویی در مرزهای دانشگاه با ارائه آگاهی درست می تواند فعالیت آشکار داشته باشد، اما موج سرکوب های درون دانشگاهی را باید مد نظر داشته باشد و هر فعالیتی در حیطه اجتماعی خارج از دانشگاه بایستی به صورت مخفی دنبال شود.

■ جمع بندی تان از تجربه زندان - به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از فعالیت سیاسی در ایران - چیست؟ تا چه حد برای رویارویی با این مسأله آماده بودید؟ چه درسی از زندان گرفتید؟ چگونه می توان این درسها را فراگیر کرد؟

□ تجربه زندان نداشته ام.

■ به نظر شما مهمترین مؤلفه - یا مؤلفه ها - برای بازسازی و فعال شدن مجدد چپ در دانشگاه های کشور در شرایط امروزی کدام است؟

□ در سوالهای قبلی به این سوال نیز جواب داده ام. ■ با توجه به حضور پررنگ مبارزه دختران دانشجو علیه تبعیض جنسیتی در جنبش دانشجویی و علیرغم نقش مثبتی که چپ تاریخاً در برافراشتن پرچم آزادی زنان در جامعه داشته است، دلایل اینکه چپ نتوانسته به اندازه لازم این نیروی پر شور و جدید را به صفوف خود جلب کند چیست؟ نیرویی که می دانیم طی یکساله اخیر موجب رادیکالیزه تر شدن و توده ای تر شدن جنبش دانشجویی شده است. چپ چه

داشته باشند که با نظامهای ارتجاعی و سرمایه داری دارند. دفتر تحکیم، خانه ارواح فعالین سابقه دار سابق شده است و جدا افتادگی آن از بدنه دانشجویی چیزی نیست که آنها یا دانشجویان انجمن اسلامی بخواهند بر آن فایق آیند. مگر اینکه سهم خواهی های آنها و تلاش برای همسفرگی با حکومت تمام شود. در این صورت است که دانشجویان معترض و جنبش دانشجویی منتقد می تواند از مجرای دفتر تحکیم ساختار را نقد کند.

■ به نظر می آید رژیم برنامه های وسیعی برای سرکوب و مرعوب کردن جنبش دانشجویی در پیش گرفته است به نظر شما چگونه می توان این نقشه ها و برنامه ها را خنثی کرد؟ چه فرمهای تشکیلاتی و اشکال مبارزاتی را در این زمینه پیشنهاد می دهید؟ چه رابطه ای میان مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان قائل هستید؟

□ هر حکومتی تلاش برای بقا را در دستور کار قرار خواهد داد و حکومت های توتالیتر زودتر. جمهوری اسلامی از سال 58 اقدام به این امر کرده است و امروز تلاش برای سرکوب باقیمانده پتانسیل اعتراضات دارد. این برنامه وسیع برنامه ای دیر زمان است و حدود سی سال است که در حال اجرا شدن است و هدف امروز آن جنبش دانشجویی. تئوریزه کردن جنبش دانشجویی به تشکیلی سیاسی برای مبارزه با این اقدام یعنی صف آرایی برای برخورد با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و بس. جنبش دانشجویی در روندی آگاهانه می بایستی به تشکیلی سیاسی تبدیل شود. فرم و شکل این تشکیلی بسته به توانایی ارتباط با اجتماع تعریف می شود اما مستقل از آن.

جنبش های سیاسی می بایستی حیطه کاری خود را به دو بخش مخفی و علنی تقسیم کنند. آنچه از این تقسیم بندی مهم تر است آموزش و التزام به مخفی و علنی بودن اطلاعات و عملیاتهاست. اگر جنبش دانشجویی تلاش برای صف آرایی دارد راه حل مبارزه مسلحانه است و اگر تلاش در حفظ حیات در حیطه دانشجویی و عدم تبدیل از جنبش دانشجویی به سازمان اجتماعی دارد، راه حل جذب بدنه دانشجویی آگاه است که تنها از مجرای آگاهی بخشی میسر است. برای دانشجوی آگاه و سیاسی مبارزات صنفی بخشی از مبارزات سیاسی است.

■ می دانیم که ضربه پارسال مشکلات زیادی برای بخش چپ جنبش دانشجویی ببار آورد و می دانیم که به مباحث گوناگونی دامن زد؛ ارزیابی کلی تان از این مباحث و جایگاه تظاهرات 13 آذر پارسال چیست؟

□ ضربه ای که جنبش چپ دانشجویی تحمل کرد بیترناهی از عدم التزام شاخه ای از این جنبش به حفظ استقلال بود که دامن طیف های مختلف چپ گرایان را گرفت. اما در کل تجمع دانشجویی حق جنبش دانشجویی است و هزینه ای که از قبل تجمع 13 آذر 86 پرداخت شده است نه به خاطر تجمع و نه از این نظر که در صورت عدم ایجاد تجمع هزینه ها پرداخت نمی شد که به دلیل اول ذکر شده حتماً پرداخت می شد، در جای دیگر و با شدت بیشتر. اما تجمع 13 آذر و هر تجمع دیگر در حمایت از دانشجویان سیاسی به بند کشیده شده همان رسالت جنبش دانشجویی در جذب و حفظ بدنه دانشجویی است که می بایستی تقویت شود تا مؤثر واقع شود. اینکه آیا تجمع 13 آذر در تسهیل آزادی دانشجویان زندانی مؤثر بوده است خود حکایت دیگری است.

مصاحبه سوم با روجا

■ ارزیابی تان از 16 آذر امسال چیست؟ به نظر شما شاخصهای سیاسی مهم مبارزات دانشجویان و برخورد حکومت بدان چه بود؟ منعکس کننده چه صف بندی های سیاسی در جامعه بود؟ درسهای مهم آن چه بودند؟

□ امسال دو مسئله رخ داد که قابل پیش بینی بود. یکی حضور کم رنگ تر طیف چپ دانشجویی و دیگری اقدامات متفاوت حکومت که به صورت مصادره این روز اجرا شد. با این وجود حرکت های رادیکال دانشجویان در شهرستانها که تا حدی نسبت به تهران از شرایط مناسب تری برخوردارند، جایگزین خوبی برای کاستی های تهران بود و در جهت اهداف جنبش دانشجویی شکل گرفت. متأسفانه من از جزئیات حرکت های مهم که عمدتاً در شهرستانها در جریان بود مطلع نیستم و این اطلاعات بسیار ضروری است. مهمترین دستاورد 16 آذر امسال توجه به نیروهای موجود در شهرستانها است همچنین سعی در آشنا نمودن دانشجویان با ایده های مترقی.

■ وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و صف بندی های فکری و سیاسی درون آن را چگونه ارزیابی می کنید؟ در شرایط کنونی چه نقشی برای جنبش دانشجویی قائل هستید؟

□ به نظر من اکثر دانشجویان صف بندی سیاسی مشخصی ندارند که خود ضعف بزرگی است. ولی در مورد دانشجویان طیف چپ باید گفت اکثریت دچار فهم نادرست از اصول و آموزه های مارکسیسم هستند. نقش جنبش دانشجویی به عنوان بخشی از توده جامعه و دارای ویژگی روشنفکری از یک سو نشر مارکسیسم در میان توده ها و جنبش های انقلابی دیگر و حضور اعتراضی در اتحاد با سایر جنبش ها است.

■ به نظر شما امروزه دفتر تحکیم وحدت چه جایگاهی در این جنبش دارد؟ و برخورد فعالین جنبش دانشجویی بویژه فعالین چپ باید بدان چه باشد؟

□ دفتر تحکیم به واسطه رفتار سازشکارانه و ارتجاعی علاوه بر دانشجویان عادی جایگاهش را در میان دانشجویان راست چون لیبرال ها، دموکراسی خواه ها که دوره ای مریدانش بودند از دست داده است. برخورد فعالین چپ باید در جهت افشای هر چه بیشتر این تشکل حکومتی باشد.

■ به نظر می آید رژیم برنامه های وسیعی برای سرکوب و مرعوب کردن جنبش دانشجویی در پیش گرفته است به نظر شما چگونه می توان این نقشه ها و برنامه ها را خنثی کرد؟ چه فرمهای تشکیلاتی و اشکال مبارزاتی را در این زمینه پیشنهاد می دهید؟ چه رابطه ای میان مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان قائل هستید؟

□ با رعایت اصول مخفی کاری و پنهان نمودن ارتباطات سیاسی می توان اقدامات سرکوبگرانه را تخفیف داد، رعایت این اصول همچنین مانع از ترس دانشجویان تازه کار می شود. در شرایط فعلی شکل دادن گروه های دانشجویی متعارف و استفاده از آن جهت نشر آگاهی و ارتباطات جدی تر می تواند مناسب باشد. به اعتقاد من مبارزات صنفی و سیاسی دو جزء جدایی ناپذیرند.

■ می دانیم که ضربه پارسال مشکلات زیادی برای بخش چپ جنبش دانشجویی بیار آورد و می دانیم که به مباحث گوناگونی دامن زد؟ ارزیابی کلی تان از این مباحث و جایگاه تظاهرات 13 آذر پارسال چیست؟

□ ضربه پارسال بی شک ناشی از عملکرد نادرست بخش هایی از چپ دانشجویی بود که بایستی از آنها درس بگیریم. ولی 13

راهکارهایی را باید در زمینه نظری و عملی در این زمینه و جذب این انرژی عظیمی انقلابی به صفوف خود ارائه دهد؟

□ در پیشرو بودن اندیشه چپ و اعلام حمایت آن از جنبش های زنان در تاریخ نه چندان دور این مملکت بحثی نیست. اما مسئله در بطن جنبش زنان نهفته است، که آیا به راستی حمایت از جنبش زنان درست است یا نه؟ شخصاً معتقدم اگر آگاهی بخشی روند درست را طی کند جنبش های آزادی بخش زنان خواهند پذیرفت که خواست آنان در عدم وجود تبعیض جنسیتی با آنچه تحت عنوان تغییر شیوه تولید و انهدام شیوه تولید سرمایه داری می شناسیم میسر خواهد بود. این موضوع جای بحث بسیار دارد.

■ به نظر شما نقش هنر انقلابی در گسترش جنبش دانشجویی چیست؟ تا چه اندازه به این مسأله از جانب فعالین چپ توجه نشان داده می شود؟ در این زمینه چه اقداماتی باید اتخاذ شود؟ □ در رابطه با هنر انقلابی نظری ندارم.

■ به نظر شما چپ دانشجویی چه نقشی می تواند در بازسازی و نوسازی جنبش چپ در کل جامعه ایران ایفا کند؟ در این زمینه فکر می کنید باید به چه مباحثی در میان خود و در مقابله با دیگر گرایشهای فکری خارج از جنبش چپ دامن زد؟ از این منظر به نظر شما مهمترین وظیفه جنبش دانشجویی مشخصاً بخش چپ آن در قبال دیگر جنبشهای توده ای - بویژه جنبش کارگری - چیست؟

□ جنبش چپ دانشجویی در حیطه اجتماعی جنبش دانشجویی محسوب نمی شود. اما همکاری جنبش های اجتماعی چپ گرا با جنبش چپ مفید است. پرورش نیرو های آگاه در بیرون دانشگاه که بتوانند جنبش های اجتماعی را از انحراف دور نگاه دارند وظیفه جنبش دانشجویی است. اما نسلی از جنبش دانشجویی چپ که از مرزهای دانشگاه خارج شده است، بخشی از جنبش چپ اجتماعی است که دیگر دانشجویی نیست. جنبش چپ در اجتماع ایران بایستی با رویکردی متفاوت از رویکرد جنبش دانشجویی چپ بررسی شود.

■ چگونه می توان بر گرایشهای سکتاریستی که در میان برخی گرایشهای چپ در دانشگاه موجود است فائق آمد؟ فکر می کنید دلایل این سکتاریسم چیست؟ چگونه می توان به همکاری میان گرایشهای مختلف چپ دامن زد؟ به گونه ای که از یکسو عمیقترین و جدی ترین جدلها را میان خود داشته باشند و از سوی مستحکم ترین اتحاد مبارزاتی را به نمایش در آورند؟

□ سکتاریسم آفت مبارزات چپ است، اما ویرانگرتر از آن الصاق برجسب سکتاریست بر غیرخودی ها است. این خود نمود بارز سکتاریسم است. پذیرش اراء متفاوت حتی مخالف و توانایی تئوریک در نقد نه تخریب یکدیگر و اعتقاد به این امر که تضاد و رفتار غیر منطقی ناشی از کمبود آگاهی است شیوه درست در مقابل برخورد سکتاریستی می باشد.

■ به نظر تان نشریه بدر در ارتباط با مباحث درون جنبش دانشجویی (بویژه بخش چپ آن) چه نقشی می تواند داشته باشد؟ و چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟ چه پیشنهاد مشخصی دارید؟

□ اگر نشریه بدر با استفاده از جوابهای این پرسش نامه در گستره قابل توجهی به بسط و تشریح درست پاسخ های سؤالیهای پرسیده شده بپردازد در پیشبرد اهداف جنبش چپ دانشجویی نقش مؤثری خواهد داشت.

می دانیم طی یکساله اخیر موجب رادیکالیزه تر شدن و توده ای تر شدن جنبش جنبش دانشجویی شده است. چه راهکارهایی را باید در زمینه نظری و عملی در این زمینه و جذب این انرژی عظیمی انقلابی به صفوف خود ارائه دهد؟

□ ناتوانی در جذب دختران دانشجو بخشا در وجود تفکرات مردسالارانه جنبش دانشجویی است، از سویی تفکر نادرست عدم ارتباط جنبش زنان و جنبش دانشجویی مانع از متشکل شدن دختران دانشجو حول مسائل جنسیتی و سیاسی در جنبش چه دانشجویی شده است. چه دانشجویی از جنبه نظری بایستی به مسائل زنان و سیاسی بودن آن و ارتباط وسیع آن با سایر جنبش ها و راه حل انقلابی آن پرداخته و از نظر عمل به شکل گیری هسته های دانشجویی همت گمارد.

■ به نظر شما نقش هنر انقلابی در گسترش جنبش دانشجویی چیست؟ تا چه اندازه به این مسأله از جانب فعالین چه توجه نشان داده می شود؟ در این زمینه چه اقداماتی باید اتخاذ شود؟

□ هنر انقلابی در شکل دادن متون سیاسی دانشجویان، شعار ها، عکس ها و تصاویر، سرود و در مجموع نگاه مخاطبین به یک جنبش و اشتیاق آنان در پیوستن به آن حرکت بسیار مؤثر است. با توجه به محدودیت های موجود در ایران بد نیست ولی می تواند بهتر باشد. باید تلاش گردد تا از تکنولوژی های جدید الکترونیکی و دیجیتالی برای این منظور بهره برد.

■ به نظر شما چه دانشجویی چه نقشی می تواند در بازسازی و نوسازی جنبش چه در کل جامعه ایران ایفا کند؟ در این زمینه فکر می کنید باید به چه مباحثی در میان خود و در مقابله با دیگر گرایشات فکری خارج از جنبش چه دامن زند؟ از این منظر به نظر شما مهمترین وظیفه جنبش دانشجویی مشخصا بخش چه آن در قبال دیگر جنبشهای توده ای - بویژه جنبش کارگری - چیست؟

□ چه دانشجویی با رویکرد مطالعاتی و تئوریک بر اساس اصول اساسی و نظریات درست، کاربرد ماتریالیسم دیالکتیکی و پراتیک انقلابی خواهد توانست در زمینه نوسازی جنبش کمونیستی مؤثر باشد. از جمله مباحث مهم منع رویکرد های اکنومستی و رفرمیستی شایع میان گروه های مختلف است. وظیفه جنبش دانشجویی بردن علم مارکسیسم به میان کارگران و اتحاد انقلابی با آنان است.

■ چگونه می توان بر گرایشات سکتاریستی که در میان برخی گرایشات چه در دانشگاه موجود است فائق آمد؟ فکر می کنید دلایل این سکتاریسم چیست؟ چگونه می توان به همکاری میان گرایشات مختلف چه دامن زد؟ به گونه ای که از یکسو عمیقترین و جدی ترین جدلها را میان خود داشته باشند و از سوی مستحکم ترین اتحاد میارزاتی را به نمایش در آورند؟

□ نتیجه رویکرد سکتاریستی شکست است، به اعتقاد من انجام حرکت های درست و متضاد با این رویکرد و کسب پیروزی خواهد توانست این گرایشات را حذف نماید. با ارائه نظریات و روش های صحیح و منع نگماتیسم می توان اتحاد میان گرایشات را تقویت نمود.

■ به نظر تان نشریه بذر در ارتباط با مباحث درون جنبش دانشجویی (بویژه بخش چه آن) چه نقشی می تواند داشته باشد؟ و چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟ چه پیشنهاد مشخصی دارید؟

□ نشریه بذر با نشر آرا و اصول اساسی مارکسیسم چه از جنبه نظری و چه پراتیک انقلابی اثر گذار بوده و می تواند به قطب مهمی در جنبش چه دانشجویی بدل شود. ■

آذر به عنوان یک حرکت بی سابقه توانست نقشی مهم در تاریخ جنبش دانشجویی داشته باشد.

■ صرف نظر از گرایشات محافظه کارانه و بدبینانه ای که خط بطلان بر مبارزه پارسال ما می کشند، به نظر شما بخش چه جنبش دانشجویی از چه کمبودها و اشکالاتی در زمینه فرم و مضمون فعالیت خود رنج می برد که نتوانست دامنه ضربه پارسال را محدود کند و مهمتر از آن ادامه کاری خود را حفظ کند؟ آیا در این زمینه شما جمع بندی خاصی از جریان "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" دارید؟

□ در مورد عدم توانایی در محدود کردن ضربه رفتار نادرست علنی طیف چه و در مورد ادامه کاری نیز نوع تفکرات خاص بخشی از این طیف در جذب نیروهای جدید است، آنها ناتوان در شناسایی نیروهای بالقوه نتوانستند با جایگزینی افراد فعالیت خود را ادامه دار نمایند. دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دارای تفکرات بخشی بوده و هیچ وقت از برخوردافکار و به تبع آن اندیشه های متفاوت استقبال نمی کنند. از دیگر سو بیش از آنکه نتیجه برایشان اهمیت داشته باشد به دنبال ثبت نام خود بر آن عمل می باشند.

■ اشکالات فعالین چه دانشگاه در زمینه رعایت مسأله مخفی کاری و برقراری رابطه درست میان فعالیت علنی و مخفی چه بود؟ تا چه میزان این مسأله در گسترش دامنه ضربات پارسال مؤثر بود؟ با توجه به اینکه رفقای زیادی به نحوه و فرم فعالیت های گذشته و علنی گرایی افراطی انتقاد دارند. آیا تلفیق صحیح و بجا فعالیت مخفی و علنی را برای فعالین دانشجویی لازم می دانید و اگر آری چگونه؟

□ اشکال این بود که این اصل را قبول نداشتند. دلیل اصلی گسترش ضربات به اعتقاد من همین مسأله بود. بله، به گونه ای که همزمان با جلوگیری از شناخته شدن ارتباطات گروهی و مدارک سیاسی، به جذب نیروهای جدید اقدام نموده و در صورت امکان در آکسیون ها حاضر گردند، این اقدامات بسته به شرایط درجاتی پیدا می کند و نیروهای جدید جایگزین نیروهای شناخته شده می گردند.

■ جمع بندی تان از تجربه زندان - به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از فعالیت سیاسی در ایران - چیست؟ تا چه حد برای رویارویی با این مسأله آماده بودید؟ چه درسی از زندان گرفتید؟ چگونه می توان این درسها را فراگیر کرد؟

□ در هر شرایط سرکوب و خفقان در صورت رعایت حداکثری اصول نمی توان از بازداشت در امان بود و زندان نتیجه احتمالی فعالیت سیاسی است. از نظر رعایت اصول تقریباً همیشه آماده ام ولی برای افراد بی تجربه تا حدی نگران کننده است. تجربه دانشجویان زندانی پارسال نشان داد از اقدامات حکومت نهراسیم و تا حد امکان مانع اقدامات فریبنده آنان شویم. با ارائه تجربیات مستند افراد و انتشار آنان.

■ به نظر شما مهمترین مؤلفه - یا مؤلفه ها - برای بازسازی و فعال شدن مجدد چه در دانشگاههای کشور در شرایط امروزی کدام است؟

□ به نظر من دو اقدام ضروری است، یکی آگاهی بخشی لازم در زمینه اصول اساسی مارکسیسم و دیگری متشکل نمودن دانشجویان مستعد حول اهداف و برنامه های سیاسی مشخص.

■ با توجه به حضور پررنگ مبارزه دختران دانشجو علیه تبعیض جنسیتی در جنبش دانشجویی و علیرغم نقش مثبتی که چه تاریخاً در برافراشتن پرچم آزادی زنان در جامعه داشته است، دلایل اینکه چه نتوانسته به اندازه لازم این نیروی پر شور و جدید را به صفوف خود جلب کند چیست؟ نیروی که

پیرامون جمع‌بندی از دور پیشین مبارزات جنبش دانشجویی منتشر شده در نشریه دانشجویی بدر:

بدر 22 - آذر 86:

"خط درست، نیازمند شیوه های درست است!"

... شیوه هایی بشدت زیانبار و خطرناک که اگر تصحیح نشوند می توانند این جنبش نوپا را نابود یا شدیداً تضعیف کند. حملات شخصی به یکدیگر، رو کردن پیشینه افراد، تمسخر دیگران، اتهام های ناروا، برخوردهای متفرعانه و تفرقه افکنانه، منم منم های بی مورد و بی محتوی، انگشت گذاشتن بر مسائل فرعی و حاشیه ای به جای مسائل اصلی و مهم سیاسی، همه و همه اشکالی از این شیوه های مضرند. بکارگیری این شیوه ها هیچ کمکی به کشف حقیقت و ارتقا سطح جنبش دانشجویی (بویره جناح چپ آن) نمی کند. شیوه یا سبک کار از خط جدا نیست، بخشی از خط است. با شیوه غلط نمی توان از خط صحیح دفاع کرد. خط غلط، شیوه غلط بیار می آورد. از همین رو خط تعیین کننده شیوه هاست...

ادامه در بدر 22

بدر 24 - بهمن 86:

"سرکوب، مقاومت و جنبش دانشجویی"

... گزاشی در میان فعالین چپ دانشگاه مشاهده می شود که تنها در پی فعالیتهای آکسیونی و کارزاری اند و بهای لازم را به فعالیتهای روتین، منظم و ادامه دار نمی دهند. روشن است که برای دخالت گری سیاسی در هر جنبشی به هر دو شکل فعالیت نیاز است. بدون شک فعالیتهای آکسیونی و کارزاری تاثیرات گسترده ای از خود به جای می گذارد و در کل جامعه پژواک می یابد. برای مثال برپایی مراسم 13 آذر امسال، توسط نیروهای چپ تاثیرات سیاسی انکار ناپذیری بر جامعه داشت و پرچم قطب سوم را برافراشت. تا بدان حد که نشریه معتبر و آمریکایی هرالد تریبون به حضور فعال چپ ضد امپریالیست، ضد جمهوری اسلامی در دانشگاههای ایران اعتراف کرد...

ادامه در بدر 24

بدر 25- فروردین 87:

"پایان یک دوره"

... شواهد نشان از آن دارد که دوره ای از حیات جنبش دانشجویی - بویره بخش چپ آن - به پایان رسیده و این جنبش در آستانه ورود به دوره دیگری است...

... مانند هر جنبش جوان و نوپایی، این جنبش از محدودیتها و ضعفهای معینی برخوردار بوده و هست. شکاف تاریخی میان نسل جدید چپ و نسل قبلی، یک عامل مهم وجود این محدودیتها و ضعفها است، شکافی که به واسطه سرکوب های بی وقفه رژیمهای حاکم ایجاد شده و متأسفانه به یکی از ویژگیهای مهم تاریخ چپ ایران بدل شده است...

ادامه در بدر 25

بدر 27 - خرداد 87:

"آیا گذشته چراغ راه آینده خواهد شد؟ (1)"

...ابی هافن: "بیشرفها! ما جوان بودیم، بی تجربه بودیم، اشتباه هم کردیم ولی ما بر حق بودیم!" ... دشمن همواره سعی می کند که حقانیت تاریخی جنبش ما را به اشکال مختلف زیر سؤال برد. چه زمانی که انواع و اقسام حيله های کثیف پلیسی را برای سرکوب و دامن زدن به تفرقه میان ما به کار می گیرد، چه زمانی که برای درهم شکستن اراده ما از شکنجه سود می جوید...

ادامه در بدر 27

بدر 31 - آذر 87:

"آیا گذشته چراغ راه آینده خواهد شد؟ (2)"

... ویژگی دیگر این جنبش، روحیه شورشگرانه شرکت کنندگان آن است. روحیه منحصر به فردی که به جوانان تعلق دارد. جوانانی که همواره تشنه نوآوری و تغییرند. این روحیه، خصلت آغاز گرانه ای به این جنبش می بخشد...

... بر پایه منافع صنفی دانشجویان نمی توان افت و خیزهای جنبش دانشجویی را توضیح داد...

... چنین گرایشاتی نقشی برای دانشجویان چپ در برافراشتن پرچم کمونیسم در جامعه نمی بینند. از نظر آنان اصلی ترین وظیفه "سوسیالیستی"، دفاع از جنبش روزمره کارگری است، نه برافراشتن پرچم کمونیسم در جامعه...

ادامه در بدر 31

بدر 28 - تیر 87:

"اعتلای نوین؛ وظایف نوین"

... یکی از مهمترین تفاوت های نسل جدید با نسل 18 تیر، گسستی بود که آنان از رژیم و نهادهای حکومتی کردند. جنبش دانشجویی از محدوده های رسمی و قانونی دفتر تحکیم پا فراتر نهاد...

... چگونه این ستم به مقاومتی جدی پا داده و موجب به میدان آمدن نیروی تازه نفس، جدید و رادیکال در جنبش دانشجویی شده است. هر اندازه که دختران دانشجو بیشتر درگیر مبارزه شوند و آگاهانه بر نقش و خواسته های مستقل خود پافشاری کنند بر رادیکالیسم مبارزات و آگاهی جنبش دانشجویی از این ستم افزوده می شود...

ادامه در بدر 28

بدر 30 - مهر 87:

"اصول کار مخفی"

... برای تمام کسانی که خواهان دگرگونی و تغییر بنیادی جامعه در هر دوره ای بوده اند و در قالب شکل های مختلف تشکل مانند گروه، سازمان، حزب، اتحادیه و ... فعالیت می کردند، ضرورت فعالیت مخفی و علنی و تلفیق این دو شکل از فعالیت از مسائل مهم بوده است...

ادامه در بدر 30